موانع و عوامل رشد را بشناسیم
۴

توبه

انقلابی درونی علیه خویش

نوبه

انقلابی درونی علیه خویش

شناسنامه کتاب

توبه انقلابی درونی علیه خویش

چاپ سوم پائیز ۱۳۶۳

تیـــراژ ۱۰۰۰۰

تهیه و نشر انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

تقدیـــــم بـــــه .

شهیـــــــــدراه محـــــــراب ، حضرت آیة ا . . . سیـــــد عبدالحسین دستغیب کمانگاشتن کتبی سرشارازمعارف قرآن و اهـــــل بیت علیهم السلام بویژه "گنـــــاهـــــان کبیـــــره " ، "قلب‌سلیم" و" معـــــاد " به تشنگان حقیقت وتمامی کسانیکـــه می خواهند درپـــرتو ولایت فقیـــــــه ، حـــاکمیـــت قوانین الله را درتمامی ابعـــــادوجودی خویش وجامعـــــــهٔ انسانی تحقق بخشند ، خدمت بزرگی نمـــودنـــد .

فهرست مطالب

مقدمه

مفهوم توبه ۴

توبه نعمت و موهبتی بزرگ ۶

توبه بهترین عطیهٔ خدا به حضرت آدم (ع) ۱۰

توبه مهلتی برای بازگشت انسان به خدا ۱۱

توبه بهترین مانع از غرور و سرکشی ۱۴

توبه بزرگترین مانع یأس و ناامیدی ۱۶

توبه عامل تبدیل سیئات به حسنات ۲۱

کیفیت توبهٔ انسان و پذیرش خداوند ۲۷

خشنودی خداوند از توبه بندگان ۳۰

وجوب توبه از گناهان ۳۸

مراتب توبه ۴۱

توبه انبیاء ۴۴

توبه اولیاء ۴۶

توبه اصفیاء ۴۶

توبه خواص ۴۶

توبه عوام ۴۶

توبه نصوح ۴۸

توبه از گناهی که فقط از حق الله است ۵۲

توبه از گناهی که در آن حق الناس نیز هست ۵۳
۱ ـ حق مالی ۵۳
۲ ـ حق بدنی ۵۳
۳ ـ حق آبروئی ۵۴
۴ ـ حق در اهل و حرم ۵۴
روایتی از امام صادق علیه السلام ۵۶
کمال توبه ۶۰
یک حدیث قدسی ۶۳
وسوسهٔ شیطان ۷۱
تبدیل گناه صغیره به کبیره ۷۴
۱ ـ اصرار بر گناه ۷۵
۲ ـ کوچک شمردن گناه ۷۶
۳ ـ خوشحالی از گناه ۷۷
۴ ـ آشکار کردن گناه ۷۸
۵ ـ موقعیت اجتماعی شخص ۷۹
پیشگیری از گناه ۸۱
جدول ۸۸

بسمه تعالی

مطالبی که در پیش روی شماست

دنباله‌ٔ سلسه مقالاتی است که در مجله

پیام انقلاب منتشر گردیده دو جلد آن

قبلا" تحت عنوان " موانع و عوامل

رشد" به چاپ رسیده است.

مقدّمه

بسمه تعالی

آدمی براساس خصوصیات نفسانی وقوای درونیی که دارد ، چه دررابطه باخودش وچه دررابطه بااجتماعش عموما "دچارلغزشها وانحرافهاازصراط مستقیم می گردد . تاآنجاکه **امام صادق (ع)** این بزرگ پیشوا ومظهر عبادت وبندگی ،قداست وصداقت ، ــ خالصانه ، متضرعانه‌وخاشعانه ــ دست به آسمان بلند کرده ودرپیشگاه خدایش ناله می کند :

رَبِّ لاتَکِلْنِی اِلیٰ نَفْسِی طَرْفَةَ عَیْنٍ اَبَداً ،لااَقَلَّ مِنْ ذالِکَ وَلااَکْثَرَ(۱)

" پروردگارا مراچشم برهم زدنی‌به خودم وامگذار ، نه کمترازآن ونه بیشتر "

ازطرفی انسان باید بنابه هدف خلقت وآفرینش ، خودرا آنچنان بارآورد که بتواندهمواره درمسیر فطرتش درصراط مستقیم حرکت وعمل نماید ، بنابراین بایدبرای انسان جای برگشت وجبران وجودداشته باشد . و از آنجاکه رحمت واسعه الهی همواره همه چیز رافراگرفته ، خداوندتبارک وتعالی نعمت وموهبت بزرگ توبه رابرای انسان قرار داده است . **توبه اولین منزل سالکین صراط مستقیم وقرب به الله می باشد** . توبه فضلی‌است ازتفضلات عظیم الهی ودری است ازالطاف رحمت خداوندی که‌به روی بندگان خودبازفرموده است‌که اگراین دربسته بود رستگاری برای کسی‌میسر نبود . توبه ازمختصات انسان نسبت به حیوانات است . یعنی انسان بسیاری ازممیزات ومشخصات واستعدادهای عالی دارد که هیچکدام ازآنها

---

۱ ــ اصول کافی جلد ۴ کتاب دعا صفحه ۳۷۳ .

درحیوان وجود ندارد . یکی ازاین استعدادهای عالی همین توبه است . توبه برای انسان تغییرمسیر دادن است اما نه تغییر مسیر ساده ازقبیل تغییر مسیر نبات یاحیوان بلکه تغییر مسیری که فقط مختص خود انسان است که ازنظر روانی وروحی کاملا "ارزش بررسی وتحلیل دارد . ازاینرو برای اینکه دقیقتر بدانیم وبفهمیم مفهوم توبه چیست ، اثرات توبه چقدراست ، توبه واقعی کدامست وتاچه وقت توبه مورد قبول حق تعالی قرارمی گیرد باید بهبحث وتحقیق بپردازیم . باشدکه انشاء الله موجب رضای خداوند تبارک وتعالی واقع گردد وتوفیق عظیم " لقاء الله" نصیبمان گردد .

مفهوم توبه

مفهوم توبه :

قاموس قرآن :

" تَوْب ، تَوْبَة ، مَتاب " همه به معنی رجوع وبرگشتن است .

درقاموس وصحاح واقرب الموارد ، قید معصیت را اضافه کرده و گفته اند : رجوع ازمعصیت . ولی رجوع مطلق صحیح است زیرا این کلمه درباره خدا ی تعالی نیزبکاررفته‌ودراو رجوع از معصیت معنی ندارد مثل "لَقَدْ تابَ اللّٰهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهاجِرِينَ وَالْأَنْصارِ" (۲)

درمجمع ، ذیل آیه ۳۷ سوره مبارکه بقره فرموده اصل توبه‌رجوع ازعمل گذشته است . گویامجمع نیز توبه عبد را درنظر داشته است . در المیزان درجاهای متعدد آنرا مطلق رجوع فرموده واین کاملا" صحیح وبا آنچه که قرآن به‌کار برده بسیار نزدیکتر است .

مُفْرَدات راغب :

"اَلتَّوْبُ تَرْكُ الذَّنْبِ عَلىٰ اَجْمَلِ الْوُجُوهِ وَهُوَ اَبْلَغُ وُجُوهِ الْاِعْتِذارِ"

توبه ترک گناه است درزیباترین وجه وآن رساترین وجه عذرخواهی می باشد .

---

۲ ـ سوره مبارکه توبه آیه ۱۱۷ .

معراج السعادة :

ضداصرارو پافشاری درانجام معاصی ، توبه وپشیمانی استواصل توبه به معنی بازگشت است ومراد دراینجابازگشت به حداست ، به حالی ساختن دل از معصیت ، ورجوع وبازگست ازدوری درگاه الهی به قـــرب‌و نزدیکی خداوند ، وحاصل آن ترک معاصی درحال ، وعزم وتصمیم برترک آنهادرآینده ونیزتلافی تقصیرات است .

استادشهیدمطهری :

" توبه‌عبارت‌ازنوعی انقلاب درونی ، نوعی قیام ، نوعی‌انقلاب درونی ، نوعی قیام ، نوعی‌انقلاب ازناحیه خودانسان علیه خودانسان وباین جهت است که توبه مختص انسان است .

توبه فقط این نیست که یک لفظ "***اَسْتَغْفِرُاللّٰهَ رَبّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ***" برزبان جاری کنیم . (اصلا "توبه) ازمقوله لفظ نیست بلکه یک‌حالـــت روانی وروحی وبلکه یک انقلاب روحی درانسان است که لفظ "***اَسْتَغْفِرُاللّٰهَ رَبّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ***" بیان این حالت است نه خودحالت ونه خودتوبه . مثل بسیاری ازچیزهای دیگرکه‌لفظی‌راکه ماداریم خودآن چیزوحالت‌نیست (۳)"

---

۳ ــ نوار توبه از استاد شهید مطهری .

تو به نعمت و موهبت بزرگ

توبه نعمت وموهبتی بزرگ :

توبه منجی انسان ازشرور شیطانی ونفسانی

انسان به گونه ای است که هرلحظه درمعرض لغزش وخطاست و شیطان سخت پیمان بسته است تابه هروسیله ممکن این بشررا منحرف‌واز صراط مستقیم خارج سازد .

" قَالَ فَبِعِزَّتِکَ لَاُغْوِیَنَّهُمْ اَجْمَعِینَ اِلَّا عِبَادَکَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِینَ (۴)

"شیطان گفت (حال که مهلت یافتم) به عزت‌وجلال توقسم کـه تمامی خلق راگمراه خواهم‌کرد مگر خاصان از بندگانت که دل ازغیر بریدنـد و برای‌توخالص‌شدند (دوعالم رابه یکبارازدل برون کردندتاجای‌توباشد)" آری انسان هرلحظه شدیدا "نیازمنداست که باخدای خویش خلوت‌وتجدید عهدنمایدوبتواندبه قول معروف خودراخالی نماید . درمُناجاتُ الشّاکِّینَ می خوانیم :

"اِلٰهِی اِلَیْکَ اَشْکُو عَدُوّاً یُضِلُّنِی وَشَیْطاناً یُغْوِینِی قَدْمَلَاءَ بِالْوَسْوَاسِ صَدْرِی وَاَحاطَتْ هَواجِسُهُ بِقَلْبِی یُعاضِدُلِیَ الْهَوٰی وَیُزَیِّنُ لِی حُبَّ الـدُّنْیٰا وَ یَحُولُ بَیْنِی وَبَیْنَ الطّاعَةِ وَالزُّلْفٰی . "(۵)

---

۴ ــ سورهٔ (ص) آیه ۸۳.

۵ ــ از مناجات خمس عشره از امام چهارم (ع) در کتاب مفاتیح الجنان.

" بارالـهابه توشکایت می کنم ازدشمنی (نفس) که مراگمراه می کند ، ازشیطانی که مرا به راه باطل می کشد و سینه ام را پراز وسوسه وخیالات فاسده می گرداند واوهام اوبردلم احاطه می کندتابه هواپرستیم مددکرده و حب دنیارابرمن جلوه میدهد ، ومیان من وطاعت ومقام قرب جدائی می افکند "

حضرت علی (ع) درخطبه ۱۶ نهج البلاغه می فرماید :

" اَلا وَاِنَّ الْخَطٰایا خَیْلٌ ، شُمُسٌ حُمِلَ عَلَیْهَا اَهْلُهَا وَخُلِعَتْ لُجُمُهَا ، فَتَقَحَّمَتْ بِهِمْ فِی النّارِ " .

" آگاه باشید ! گناهان وخطاها همچون مرکبهای سرکش ولجام گسیخته ای هستندکه گناهکاران برآنهاسوارندوآنان رادرقعر دوزخ سرنگون خواهند ساخت (واین خاصیت اجتناب ناپذیرگناه است که به آسانی تحت کنترل درنیایدوازگناهی ، گناهان دیگرمی زاید !)

درقرآن کریم می بینیم که ازشروساوس خَنّاسان ـ شرالوسواس ـ الخناس (۶) و از " شَرِّالنَّفّاثاتِ فِی الْعُقَدِ " (۷) به خدا پناه برده میشود .

آری همانگونه که اگرهواپیمائی که درهوا پروازمی نماید لحظه ای ارتباطش رابارادارهدایت کننده مسیرپروازقطع نماید به سقوط کشانده خواهدشد ، آدمی نیزاگرارتباطش بامبدأ عالم ـ که همه چیزش ازاوست و قائم به او ، وخودهیچ است ـ قطع گرددبه سقوط کشانده خواهد شد . ارتباطی که بایدهمواره قبل ازانجام هرکاروعملی برقرارگردد .

" وَلا تَقُولَنَّ لِشَیْءٍ اِنّی فاعِلٌ ذالِکَ غَدا " اِلّا اَنْ یَشاءَ اللّٰهُ وَاذْکُرْ رَبَّکَ اِذا نَسِیتَ " .

---

۶ ـ سوره ناس.

۷ ـ سوره .فلق .

" هرگز مگو که من این کاررافرداخواهم کرد مگرآنکه بگوئی (انشاء الله) اگرخدابخواهدوخدارالحظه ای فراموش مکن " (۸)

ونیزازرسول خدا (ص) نقل شده :

کُلُّ اَمرٍذی بالٍ لَمْ یُبْدَءْ فیهِ بِاسْمِ اللّٰهِ فَهُوَ اَبتَرَ (۹)

" هرکارمهمی که بانام خداشروع نشود پس آن‌کارناقص وابترخواهد ماند "

لکن وسوسه های شیطانی ونفسانی نیزاورالحظه ای رهانمی کنندومیخواهند اورابه‌راه باطل وفساد بکشانند . درمناجات الشاکین می‌بینیم که امام چهارم (ع) چگونه به درگاه خدا ازنفسش شکایت می کند :

"اِلٰهی اِلَیْکَ اَشْکُونَفْسًا بِالسُّوءِ اَمّارَةً وَاِلَی الْخَطیئَةِ مُبادَرَةً وَبِمَعاصیکَ مُولَعَةً وَ لِسَخَطِکَ مُتَعَرِّضَةً تَسْلُکُ بی مَسالِکَ الْمَهالِکِ وَتَجْعَلُنی عِنْدَکَ اَهْوَنَ هالِکٍ کَثیرَةَ الْعِلَلِ طَویلَةَ الْاَمَلِ اِنْ مَسَّهَاالشَّرُّ تَجْزَعَ وَاِنْ مَسَّهَاالْخَیْرُتَمْنَعَ مَیّالَةً اِلَی اللَّعْبِ وَاللَّهْوِ مَمْلُوَّةً بِالْغَفْلَةِ وَالسَّهْوِ تُسْرِعُ بی اِلَی الْحَوْبَةِ وَتُسَوِّفُنی بِالتَّوْبَةِ .

" خدایابه‌توشکایت می‌کنم ازنفسی که مرا بسیار به بدیها و امیدارد و به‌هرخطاسبقت می‌گیرد و به معصیت بسیارحریص است ومرابه معرض خشم و غضبت می‌افکند ومرا دائم به راه هلاکت می کشاند و درنزدتوخوار ترین هلاک شدگان قرارمیدهد . این نفس زشت طفره وتعللش درطاعت فراوان و حرصش به‌دنیا بسیاراست اگرشری به اوروی آوردجزع وبی تابی نموده‌واگر خیری به اورسدمنع احسان می کند . بسیارمایل به لهو ولعب است وپراز

---

۸ ــ سورهٔ کهف آیه ۲۳ .

۹ ــ تفسیر المیزان جلد اول .

غفلت وفراموشی (ازآخرت) به سرعت مرابه‌مهالک وخطرات می کشاندو
توبه ام رابه وعده وتاءخیرمی افکند"

حال تصوراینکه راه بازگشت وارتباط محدد باخداوند نباشد چگونه است ؟آدمی چه می شود؟ نسبت به هدف خلقت وآفرینش چقدر فاصله می گیرد ؟ ونه تنها خدارا زیادمی برد ، خودوارزش هاوکرامتهای انسانیش رانیز کلا"فراموش خواهدکرد . تاآنجاکه شایدبزرگترین جنایتکار تاریخ بارآید .

توبه بهترین عطیه خدابه حضرت آدم (ع)

ابن بکیر ازحضرت صادق یاحضرت باقر علیهماالسلام نقل می کند که فرمود : (۱۰) همانا آدم (ع) عرضکرد :

"یارَبِّ سَلَّطْتَ عَلَیَّ الشَّیْطانَ وَاَجْرَیْتَهُ مِنّی مَجْرَی الدَّمِ فَاجْعَلْ لی شَیْئاً"

" پروردگاراشیطان رابرمن مسلط کردی وچون خون (که دررگهایم جریان دارد) اورا در سراسر وجودم جاری وساری ساختی (شیطان سراسر وجودم راجولانگه القائات و وسوسه‌ها وشبهات قرار داده) پس برای من هم چیزی (عطائی) مقرر فرما"

خداوندفرمود : یاآدَمُ جَعَلْتُ لَکَ اَنَّ مَنْ هَمَّ مِنْ ذُرِّیَّتِکَ بِسَیِّئَةٍ لَمْ تُکْتَبْ عَلَیْهِ ، فَاِنْ عَمِلَها کُتِبَتْ عَلَیْهِ سَیِّئَةً وَمَنْ هَمَّ مِنْهُمْ بِحَسَنَةٍ فَاِنْ لَمْ یَعْمَلْها کُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةً فَاِنْ هُوَ عَمِلَها کُتِبَتْ لَهُ عَشْراً" .

" ای آدم برایت چنین قرار دادم که هریک ازفرزندانت آهنگ گناهی کند برای اونوشته‌نشود ، واگرانجام داد یک گناه براونوشته شود. وهرکه‌آهنگ کارنیکی کرد وبدان‌مبادرت نورزید یک حسنه برای اوبه‌حساب

---

۱۰ ـ اصول کافی جلد ۴ صفحه ۱۷۳ .

آید واگرانجام داد ده حسنه برایش نوشته شود .

حضرت آدم عرض کرد : پروردگارابرایم بیفزا .

خداوندفرمود : جَعَلْتُ لَکَ اَنَّ مَنْ عَمِلَ مِنهُمْ سَیِّئَةً ثُمَّ اسْتَغْفَرَ غَفَرْتُ لَهُ .

" برایت مقررساختم که اگرهریک ازفرزندانت گناهی کندوسپس استغفار نماید آن گناه رابراوببخشایم .

حضرت آدم عرضکرد : پروردگارامرابس است .

خداوندفرمود : جَعَلْتُ لَهُمُ التَّوْبَةَ ـ اَوْقَالَ بَسَطْتُ لَهُمُ التَّوْبَةَ ـ حَتّٰی تَبْلُغَ النَّفْسُ هٰذِهِ .

"برای آنها توبه راقرار دادم ـ یافرمود : نعمت توبه رابرای ایشان گستردم ـ تاآنزمانکه نفس به اینجا (اشاره به گلوگاه) برسد."

حضرت آدم عرضکرد : پروردگارامرابس است .

واین‌چه زیبا هدیه ای است ازجانب پروردگارغنی وبی نیاز ازهمه چیز ، به این موجودفقیروسراپانیازبه الطاف ورحمتهای بیکران خدایش ، وچه ناسپاس بنده‌ایست آنکه به جای قدرنهادن به این نعمت عظمی وهدیه‌والا ازیادخداواطاعت ازخدا غافل گشته وخودرا به گناه آلوده سازد .

توبه مهلتی برای بازگشت انسان به خدا

راستی اگرراه توبه نباشد آدمی به‌چه درجه ازپلیدی خواهدرسید اگر در بسیاری ازمواردتوبه ازگناهان واجب نباشد آدمی درچه‌لجنهای ازگناهان غرق می گردد ؟ آیاسبب نمی شودکه گناه راسبک بگیردوبدان اهمیت ندهد که دراینصورت خودگناهی است بزرگ . همانگونه‌که‌حضرت علی (ع) میفرماید :

" اَشَدُّالذُّنُوبِ مَااسْتَهَانَ بِهِ صَاحِبُهُ "(۱۱)

" سخترین گناهان گناهی است که شخص آنرا آسان وخرد پندارد "

عدم بازگشت ازگناهان سبب جری ترکردن انسان درانجام گناه وزمینه ساز برای دورترکردن هرچه بیشترفردازخدامی گردد .

راستی اگرتوبه ومغفرت الهی نباشد وضعیت آدمی بااین همه ضعفها وخطاها ولغزشهایش درقیامت چگونه است ؟ قیامتی که : **يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُالنَّاسُ اَشْتَاتًالِيُرَوْااَعْمَالَهُم فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرّاً " يَرَهُ "(۱۲)**

" درآنروز (قیامت) مردم ازقبرهاپراکنده بیرون آیند تا (پاداش نیک‌وبد) اعمال خودرادر (حساب‌ومیزان حق) ببینند . پس (درآنروز) هرکس بقدرذره ای کارنیک کرده (پاداش) آنراخواهددید وهرکس به‌قدر ذره ای کارزشتی مرتکب شده آنهم به کیفرش خواهد رسید .

قیامتی که حتی تمامی اعضای بدن شهادت براعمال وخطاها و گناهان انسان رامی دهند .

" **حَتّىٰ اِذَامَاجَاؤُهَاشَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَاَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا اَنْطَقَنَااللّٰهُ الَّذِي اَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ . وَماكُنتُمْ تَستَتِرُونَ اَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَااَبْصَارُكُمْ وَلَاجُلُودُكُمْ وَلٰكِنْ ظَنَنْتُمْ اَنَّ اللّٰهَ لَايَعْلَمُ كَثِيراً "مِمَّاتَعْمَلُونَ . وَ ذٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ اَرْدٰيكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ**

---

۱۱ ــ نهج البلاغه فیض اسلام حکمت ۳۴۰ .

۱۲ ــ سوره مبارکه زلــزال آیات ۷ و ۸ .

مِنَ الْخَاسِرِينَ" . (۱۳)

" وقتی که نزدیک آتش آیند درآنجاگوش وچشم وپوست بدنشان به آنچه کرده اند شهادت میدهند . به پوست بدن خودمی گویند چرا علیه ماشهادت دادید ؟ (پوست بدنشان) می گویندخدائیکه‌هرچیز را به زبان می آورد مارابه زبان آورد و اوست که شمارادراولین بار دردنیا خلق کردوبه‌سوی او بازگشت می کنید . وشماکه گناه‌خودرا پنهان میکردید ازاین جهت نبود که ازشهادت گوش و چشم وپوست خود پروا داشتیدبلکه خیال می کردید که خداازبسیاری کارهایتان بی خبراست وهمین پندارکه نسبت به پروردگارخود داشتید شماراهلاک کرد واززیانکاران ساخت . "

حال شایدتاحدودی به الطاف بیکران الهی پی برده که‌می‌بینیم خداوندتبارک وتعالی به فرشته موکل دستورمهلت‌درنوشتن گناهان انسان رامیدهدتاشاید انسان توبه نمایدوبتواندگناهانش راجبران نماید و نامه اعمالش سنگین نگردد .

حفص بن غیاث می گوید که شنیدم ازحضرت صادق (ع) که می فرمود :

مَامِنْ مُؤْمِنٍ يَذْنُبُ ذَنْباً "اِلاّ اَجَّلَهُ عَزَّ وَجَلَّ سَبْعَ سَاعَاتٍ مِنَ النَّهَارِ فَاِنْ هُوَ تَابَ لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَاِنْ هُوَ لَمْ يَفْعَلْ كَتَبَ (اللّٰهُ)عَلَيْهِ سَيِّئَةً" (۱۴)

" هیچ موءمنی نیست که گناهی رامرتکب شود جزاینکه خدای عز وجل هفت ساعت از روز به اومهلت دهد ،پس اگر (دراین‌مدت)توبه کرد چیزی براونوشته نشود ، واگرتوبه نکرد ، خداوندیک گناه براو بنویسد "

---

۱۳ ــ سوره مبارکه فصلت آیات ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ .

۱۴ ــ اصول کافی جلد ۴ .

۱۴ ـــــــ

علی احمسی ازحضرت باقر (ع) حدیث می کند که فرمـــود :
" وَاللّٰهِ مٰا يَنْجُومِنَ الذَّنْبِ اِلاّٰ مَنْ اَقَرَّبِهِ " . " بخدا سوگندازگناه نجات نیابد (ورهانشود) جز کسی که بدان اعتراف کند " و دروسایل ازحضرت امیرالمو°منین (ع) نقل است : " جزاین نیست که پشیمانی برگناه سبب ترک آن می شود . "

البته لازمهٔ حسرت وندامت برگناه ، عزم برترک آن درآینده است بطوریکه‌اگربرترک‌آن گناه تصمیم نداشته باشد معلوم می شودحقیقتا" ازآن گناه پشیمانی‌ندارد .وهرچه ایمان به خدا وروز جزا وتصدیق خبرهای پیغمبر وامام بیشترباشد پشیمانی ازگناه کرده شده بیشتروآتش درونی آن سخت ترخواهدبود " .

آری‌اعتراف‌به‌گناه علاوه برآنکه مانع ازغرور وسرکشی انسان می‌گردد . تکرار اعترافات وپشیمانی ازگناه سبب می شودتابه انسان تلقین شود که فلان عمل خطا وگناه است وبایدازآن دوری جست وخودبخود به مرور زمان قبح گناه برایش ملکه می گردد که دیگرحتی فکر فلان عمل گناه نیزدراوخطورننمایـد وامام امت خمینی بت شکن این بزرگ عارف وبزرگ مردتقوی وخودسازی درتاریخ انسانیت درزمینه تکرار مسائل مهم تاآنجا که به آدمی تلقین گردد چه زیبا ورسافرموده اند :

" بعضی ازمسائل است‌که اهمیتش آنقدرزیاداست که باید این مسائل راتکرارکنم کتابهائی که برای انسان سازی آمده است‌مثل کتاب قرآن کریم‌وکتابهائی که دراخلاق نوشته می شود ومقصودساختن یک‌انسان است ، ساختن یک جامعه است دراثراهمیت هرنوع چیزی درآنجا تکرار شده است . تکراردرقرآن مجید زیاداست‌وبعضی ها خیال می کنندکه این تکرارچرا ؟ برای اینکه لازمست . یکی ازچیزهائی که برای ساختن انسان مفیداست تلقین است .انسان‌خودش هم اگر بخواهد ساخته بشودبایداین مسائلی کد مربوط به ساختن خودش هست تلقین کند ، تکرارکند .یک

مطلبی که بایدتاءثیردرنفس انسان بکند باتلقینات وتکرارهابیشتردرنفس اونقش پیدامی کند. نکته تکرار ادعیه وتکرارنماز درهرروزچندین دفعه و همیشه ، اینست که انسان باگفتن وشنیدن خودانسان دلالت می کندو می‌شنوداین آیاتی که سازنده است مثل سوره مبارکه حمد که درسی سازنده است انسان بایداینهارا تکرار کندوتلقین ، ونفس راحاضر کند برای شنیدن . انسان خودش که یک مطلبی رامی گوید سامع یکدفعه می شنود ودفعه بعدش هم واردمی شود لکن گوینده اول درقلبش نقش می بندد بعدآن‌رامی‌گوید وبعدمی شنود وبعدآنرا درقلبش جاری می شود . تلقین ازاموری است که لازم است (۱۷) .

بنابراین یکی ازمهمترین فوائدتوبه آنست که مانع ازغروروسرکشی انسان گردد وآدمی رالااقل معترف وپشیمان نمایدوتکرارابن امر موجب گرددتابه‌اوشناخت عمل‌گناه وقبح ونتایج سوء گناهان مختلف ودوری‌جستن ازارتکاب آنها تلقین شود .

توبه بزرگترین مانع یاءس وناامیدی :

توبه هرلحظه به فرد امیدمیدهد وراه نجات نشان میدهد واین ویژگی، عمیق ترین وزاینده ترین اثرات خوب را درروان انسان دربر خواهدداشت . یاءس وناامیدی ، ازگناهان بزرگی است‌که یکی ازثمرات تلخش اثرات سوء روانی آن درانسان می باشد و آدمی راناگهان‌درسقوطی عظیم وهلاکت بارقرارمیدهد . خداوندتبارک وتعالی درقرآن مجیدنو میدان ازدرگاه رحمتش راچنین معرفی می‌کند :

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَئِسُوا مِن رَّحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۸)

---

۱۷ ــ از سخنان امام خمینی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران ۵۹/۹/۲۳

۱۸ ــ سوره مبارکه عنکبوت آیه ۲۳ .

" وآنانکه به آیات خدا وشهودلقای اوکافرشدند آنهااز رحمت (ونعمت بهشت) من ناامیدند وسخت به عذاب دردناک گرفتارخواهند شد "

لا تَا يْئَسُوا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ اِنَّهُ لا يَا يْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ (۱۹)

" ازرحمت بی منتهای خدانومید مباشید که هرگز جز کافران هیچ کس ازرحمت خدا نومید نیست "

بافت‌وجودی انسان به گونه ایست که دوست دارد لااقل‌گاهگاهی بنشیند ودرد دل کندوحرفهای دلش را ، خواسته های درونیش را بیان نماید حال اگرخدایش رابه عنوان محرم راز برگزیند چه پربارو ثمربخش و نجات بخش خواهد شد ! واگرخدای ناکرده فرداحساس کندکه خدایش نیزاورا نمی پذیرد چقدر برایش طاقت فرسا خواهد شد !

امیدبه درگاه الهی به فردجرات میدهد تادرپیشگاه اقدسش این چنین امیدوارانه ناله کندوسخن گوید :

"اِنْ كَانَ صَغُرَفِي جَنْبِ طَاعَتِكَ عَمَلِي فَقَدْ كَبُرَ فِي جَنْبِ رَجَائِكَ اَمَلِي . اِلٰهِي كَيْفَ اَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْخَيْبَةِ مَحْرُوماً وَقَدْ كَانَ حَسَنَ ظَنِّي بِجُودِكَ اَنْ تَقْلِبَنِي بِالنَّجَاةِ مَرْحُوماً " (۲۰) .

" ای خدا اگردرمقابل طاعتت عملم اندک است درمقابل رجاء وامیدبه‌کرمت ، آرزویم بسیاراست . ای خداچگونه ازدرگاه لطفت محروم‌و ناامیدبرگردم درصورتیکه به جود واحسان توحسن‌ظن بسیاردارم که به

---

۱۹ ــ سوره مبارکه یوسف آیه ۸۷.

۲۰ ــ از مناجات شعبانیه در کتاب مفاتیح الجنان .

حالم ترحم‌کرده وعاقبت ازاهل نجاتم میگردانی "

وبا می‌بینیم چه‌زیباامام سجاد (ع) درمناجات التائبین درپیشگاه خدا ناله می کندوسخن می گوید :

" یااَمَلی وَبُغْیَتی وَیاسُؤْلی وَ مُنْیَتی فَوَعِزَّتِکَ ماَاَجِدُلِذُنُوبی‌سِواکَ غافِرا "وَلااَرَی لِکَسْرِی غَیْرَکَ جابِرا "وَقَدْ خَضَعْتُ بِالْاِنابَةِ اِلَیْکَ وَعَنَوْتُ بِالْاِ - سْتِکانَةِ لَدَیْکَ فَاِنْ طَرَدْتَنی مِنْ بابِکَ فَبِمَنْ اَلُوذُ وَاِنْ رَدَدْتَنی عَنْ جَنابِکَ فَبِمَنْ اَعُوذ (۲۱).

" ای مقصدومقصودومطلوب‌وآرزوی من ! قسم به عزتت که من‌کسی راکه گناهانم را ببخشد غیرازتونمی‌یابم‌وآنکه‌درهم‌شکستگیهای امورم راجبران کند جزتونمی‌بینم . من باآه‌وناله‌وکمال خضوع به درگاهت آمده‌ام وبه خواری ومذلت بسویت روآورده ام . پس اگرتومرا ازدرت برانی دیگربه که روآورم ؟ واگرتومراازحضورت‌ردکنی پس به که پناه برم ؟ "

ویادرمناجات شعبانیه که امام امت خمینی بت شکن این بزرگ عارف عالم تشیع درتاریخ انسانیت دروصف این دعافرموده اند :

" من ندیدم درادعیه ،دعائی که‌گفته شده باشد همه امامان این دعارامی خواندند دردعای شعبانیه این موضع هست امامن یادم نیست‌که دریک دعای دیگری دیده باشم که همه ائمه اینرامی خواندند این مناجات شعبانیه برای این است که شماراهمه مهیا کندبرای ضیافت الله .

یک‌کج فهمی هائی درانسان است که این کج فهمی هاگاهی‌خیلی زیادمی شود اینهادعارانمی فهمند چیست ،معهذا خیال می کنند که ما قرآن رامی گیریم ودعاراول می کنیم . اینهااصلا" نمی فهمنددعا چیست مضامین ادعیه رانرفتند که ببینندکه چی هست واکنون چی می گویدچه

---

۲۱ ــ از مناجات خمس عشره‌ازامام چهارم (ع) درکتاب مفاتیح الجنان .

توبه نعمت و موهبتی بزرگ ـــــــ

" . . . . اکنون ازعذاب توکه‌مرانجات خواهدداد ؟ وفرداازدست دشمنان که‌خلاصم تواندکرد واگرتورشتهٔ محبت راازمن بریدی دیگربه‌رشته که چنگ زنم ؟ "

آری براستی نعمت‌توبه بد درگاه خداوند تبارک وتعالی بهترین عاملی است که فردراازنامیدی ویاءس ازپیشگاه رحمت الهی نجات خواهد داد ومانع ازآن می شود که نقطه سفید دل کاملا " وبرای همیشه به سیاهی تبدیل‌گردد .

چنانچه امام باقر (ع) می فرماید :

مامِنْ عَبْدٍ اِلاّٰ وَفی قَلْبِهِ نُقْطَةٌ بَیْضاءُ فَاِنْ اَذْنَبَ ذَنْباً خَرَجَ فی تِلْکَ النُّقْطَةِ نُقْطَةٌ سَوْداءُ فَاِنْ تابَ ذَهَبَ ذٰلِکَ السَّوْداءُ وَاِنْ تَمادیٰ فِی الذُّنُوبِ زادَ ذٰلِکَ السَّوادُ حَتّیٰ یُغْطِیَ الْبَیٰاضَ فَاِذٰا اَغْطیَ الْبَیٰاضَ لَمْ یَرْجِعْ صٰاحِبُهُ اِلیٰ خَیْرٍ اَبَداً وَهُوَ قَوْلُ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ: کَلاّٰ بَلْ رٰانَ عَلیٰ قُلُوبِهِمْ مٰا کٰانُوا یَکْسِبُونَ.

" هیچ بنده ای نیست مگرآنکه دردلش نقطه سفیدی هست . هنگامی‌که گناهی رامرتکب می شود درآن نقطه یک نقطه سیاهی پدیدمی آید پس،اگر توبه کرد آن سیاهی ازبین میرود واگربه گناه ادامه داد آن سیاهی روبه افزونی می گذاردتاآنجاکه همهٔ آن نقطه سفیدرامی پوشاند وآنگاه کـــه‌آن نقطه سفیدپوشیده شدصاحب چنین دل ، هرگزبه سوی خیربازنمی گردد و این است معنای آیهٔ شریفه که می‌فرمایـد : نه چنین است بلکه دست ـ آوردهایشان موجب آن شده که بردلهاشان زنگارنشسته است . " (۲۳)

---

۲۳ ـ نقل از کتاب سِرُّ الصَّلٰوة امام خمینی صفحه ۶۳.

توبه، عامل تبدیل سیئات به حسنات

درپیمودن مسیر الهی وبندگی خداوند ،وساوس شیطانی نیز در رنگهاونیرنگهای گوناگون هرلحظه کمین کرده اند تاانسان رااز صواط مستقیم منحرف سازند .واورا که بایدبراساس ایمان به اللهوعمل صالح به پیش رود ، اعمالش راسه سیئات تبدیل نمایندواین وسوسه‌هاونیرنگها آنچنان است که اکثرا" انسان رابرسردوراهی وخدای ناکرده انحراف قرار می دهد ، واغلب اورادریک درهم رفتگی وکسالت وسردرگمی فرومی برد .

دراینجاست‌که انسان خداجوی واصلاح طلب که ازاعماق وجودش عشق به " **الله** " و " **تَخَلَّقُوا بِاَخْلاٰقِ اللّٰهِ** " زبانه می کشد ، پی‌به‌عظمت موهبت بزرگ الهی یعنی " توبه " برده‌وباتمام وجودضرورت این رحمت الهی رااحساس می‌کندتاآنجاکه‌اگرنعمت‌توبه نبودانسان قبل ازطی اولین منزل سلوک تادرنبود. سیربندگی وعبودیت خودش راتارسیدن به‌مقام " کمال‌الانقطاع " (۲۴) ادامه دهد . ودرقیامت نیزکوله‌بارسنگین گناهان هیچ راه نجاتی برای انسان باقی نمی گذاشت .

امام صادق (ع) می فرماید :

" ***اَلتَّوْبَةُ حَبْلُ اللّٰهِ وَمَدَدُ عِنٰايَتِهِ وَلاٰبُدَّ لِلْعَبْدِ مِنْ مُدٰاوَمَةِ التَّوْبَةِ عَلٰى كُلِّ حالٍ*** "(شرح فارسی مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه جلد ۲باب توبه)

---

۲۴ ــ اشاره به قسمتی از مناجات شعبانیه است و بخاطر اهمیت والائی که دارد در اینجا متذکر می‌شویم :

" توبه ریسمان خداست ومددعنایت اوست وبرای بنده چاره‌ای نیست که‌در هرحال به توبه اش ادامه دهد " .

خواجه عبدالله انصاری درکتاب **صدمیدان** می نویسد :

" توبه نشان راهست‌وسالاربار وکلیدگنج وشفیع وصال ومیانجی بزرگ وشرط قبول وسرهمه شادی "

آری بااین دیدونگرش است که انسان باتمام وجودش لمس میکند وباورش می آید که توبه چه رحمت وموهبت بزرگی است که‌خداوند رحمان ورحیم به انسان عطافرموده اند . البته انسانها نسبت‌به قربشان‌درپیشگاه الهی ، مواردتوبه شان فرق پیدا می کندکه انشاءالله بعدا " شرحش‌خواهد آمد .

در مطالب گذشته بعضی ازآثار جانبخش ونجاتبخش‌توبه را شرح دادیم و حال یکی دیگر ازنتایج توبه راکه تبدیل سیئات انسان به حسنات است باتمسک به آیات وروایات وسخنان معصومین علیهم السلام درگنجایش مقالات وبضاعت نگارنده به‌شرحش می پردازیم .

البتدتاکید براین روش ازآن‌جهت است که‌مابرای‌اینکه بخواهیم براساس معیارها وخط اصیل مکتب اسلام وقرآن حرکت کنیم وعمل نمائیم ناچارا " بایددرارتباط باکسانی باشیم که روح مکتب رادرارتباط باوحی وبا

اِلٰهی هَبْ لی کَمالَ الْاِنْقِطاعِ اِلَیْکَ وَاَنِرْ اَبْصارَ قُلُوبِنا بِضِیاءِ نَظَرِها اِلَیْکَ حَتّیٰ تَخْرِقَ اَبْصارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ اِلیٰ مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ وَ تَصیرَ اَرْواحُنا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِکَ اِلٰهی وَاجْعَلْنی مِمَّنْ نادَیْتَهُ فَاَجابَکَ وَ لاحَظْتَهُ فَصَعِقَ لِجَلالِکَ فَناجَیْتَهُ سِرّاً وَ عَمِلَ لَکَ جَهْراً " .

بارالها عنایتی‌فرماتابا همهٔ وجودم از غیر تو گسسته و به تو پیوندم و چشم دل ما را با روشنائی دیدارت منور فرما آن چنانکه چشم دلهای ما حجابهای نور را پاره کند و به معدن عظمت متصل شود و جان ما به عزت قدست وابسته‌گردد . بارالها مرا از کسانی قرار ده که ندایش دادی پس او ندای تو را اجابت کرد و گوشهٔ چشمی به او افکندی پس او به خاطر تجلی جلالت از خود بی‌خود گشت پس با او به پنهانی سخن گفتی و او آشکارا برای تو عمل کرد .

تمام وجودشان درک وباورکرده باشند واصلا "خودمجسم والگوی عینی از مکتب باشندتادرسرحد توانائی ازانحراف وبرداشتهای غلط مصون بمانیم انشاءالله بد یاری خداوند متعال این تحول بزرگ ،درتمامی ابعادوجهات ولحظات ، و حرکت درخط امامت‌والتزام قلبی وعملی بولایت فقیه ـ که یکی ازاساسی ترین وبنیادی ترین تحولات ونیزگرانبارترین ثمرات انقلاب اسلامیمان است ـ دروجودتک تک افرادتحقق یابدتاازهرگونه خطا ولغزش وبرداشتهای انحرافی مصون گردیم وحال بررسی وشرح مطلب موردنظر یعنی تبدیل سیئات به حسنات توسط توبه به درگاه الهی درسورهٔ مبارکهٔ فرقان آیه ۷۰ می خوانیم :

اِلّا مَنْ تابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلا "صالِحا فَاُولئِکَ یُبَدِّلُ اللّهُ سَیِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ وَکانَ اللّهُ غَفُورا "رَحیما" .

" مگرآن کسانیکه ازگناه توبه کنندوباایمان به خدا ، عمل صالح به جای آورند آنگاه خداگناهان آنهارا بدل به ثواب می گرداندزیرا که خداونددرحق بندگان بسیارآمرزنده ومهربانست " .

درزمینهٔ چگونگی تبدیل سیئات به حسنات مفسرین‌وجوه‌مختلفی راذکرکرده‌اند ،بعضی گفته اند :

خداوندگناهان سابق ایشان راباتوبه محومی‌کند واطاعتهای بعدی ایشان رامی نویسد درنتیجه بجای کفر ، وقتل بغیرحق وزنا . دارای‌ایمان وجهاد یعنی قتل به حق وعفت واحصان می شوند .

بعضی دیگرگفته اند : مرادبه سیئات وحسنات ملکاتی است که ازآندودرنفس پدیدمی آید نه خودآنها ، وخدا ملکهٔ بدآنان رامبدل‌به ملکهٔ‌خوب می سازد .

بعضی دیگرگفته‌اند مرادبه‌سیئات وحسنات ثواب وعقاب آنها است نه خودآنهاوخدا ازچنین کسان عقاب قتل وزنارا مثلا "برداشته‌ثواب

قتل بحق وعفت میدهد .

المیزان درجلد ۳۰ ذیل تفسیرآیه ۷۰ سوره‌مبارکهٔ فرقان پس از ذکرنظرات یادشده می نویسد :

" لکن خوانندهٔ عزیز خودش بخوبی میداندکه این وجوه‌دریک اشکال مشترکندوآن این است که کلام‌خدایراازظاهرش برگردانده‌اندآنهم بدون هیچ دلیلی که دردست داشته باشند . چه‌ظاهرجمله : (*يُبَدِّلُ اللّٰهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ*) مخصوصا "بادرنظرداشتن‌اینکه ذیلش فرموده : (وخداغفوررحیم‌است) این است که هریک ازگناهان ایشان‌خودش مبدل به حسنه می شود نه عقابش ونه ملکه اش ونه اعمال آینده اش ،بلکه یک یک گناهان گذشته اش مبدل به حسنه می شود . این ظاهرآیه است "

البتد المیزان درادامهٔ این‌مطلب درزمینه گناه وجرم آن بحث استدلالی مفصلی دارد که برای خارج نشدن ازبحث اصلی بد نقل‌آن‌ادامه نمی دهیم .

تفسیرمجمع البیان‌درجلد ۱۷ ذیل تفسیرآیهٔ‌فوق چنین‌می‌نویسد :

برخی می گویند " پس ازتوبه ، خداوند کارهای بدایشان رادرایام شرک تبدیل به کارهای خوبی می‌کندکه درایام ایمان انجام می دهندشرک آنها تبدیل به ایمان می شود ، کشتن موٴمنین توسط‌ایشان رابه‌کشتن مشرکین وزنای آنهاراتبدیل به عفت وپاکدامنی می کند .

برخی گویند : مقصوداینست که گناه راازبنده محومی‌کندو به جایش‌حسنه‌برای‌او ثبت می کند . دلیل این قول روایتی است که ازپیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرموده اند :

روزقیامت انسان رامی آورندوگفته می شود گناهان صغیره‌اش رابر وی عرضه کنید ، وگناهان کبیره اش راازاودورسازید . آنگاه به اومیگویند : تو درفلان روز این را وروزدیگراین رامرتکب نشدی ؟ آن شخص همه آنها رااقرارمی کند درحالیکد دردل ترس آنرادارد‌که گناهان بزرگش رابیاورند

پس درباره‌ٔ اودستورمیرسددربرابرهرگناهی که‌کرده حسنه ای باو بدهید .
سپس آن شخص می گوید :ای پروردگارمن گناهانی کرده‌ام‌که دراینجانمی ـ
بینم . راوی می گوید : دیدم پیامبرخداآنطورتبسم فرمودند ، که‌دندان
های مبارکشان ظاهرگردید .

مجمع البیان درادامه‌ٔ مطلب درپاورقی می نویسد :

سیئه‌به فعلی گفته می شودکه‌مخالف امرخداست‌وحسنه به‌فعلی‌گفته‌می‌شودکه موافق امرخداست . مثلاآمیزش بایک زن اگرطبق موازین شرعی است حسنه واگرمخالف است سیئه وزناست . اشخاص مشرک پیش ازتوبه به‌خاطرخباثت باطنی که داشتند کارهای ایشان سیئه بود پس ازآنکه توبه کردندبواسطه‌ٔ طهارت باطنی اعمالشان حسنه است . **پس فعل تابع ذات وصبغه‌ٔ باطنی افراداست . هنگامی که باطن پاک شدوذات بوسیله‌ٔ توبه‌وایمان‌وعمل‌صالح خباثت خودراازدست دادچه مانعی داردکه آثارهم به‌تبع ذات ، پاک وشسته شود ؟ زیرا توبه کداین قدرت راداردکه نهاد شخص راازخباثت‌به طهارت تبدیل‌کندوذات راکه منشاءآثاروافعال است دگرگون سازداین‌قدرت راداردکه آثارراتیزعوض کندوسیئات‌راتبدیل به‌حسنات نماید .**

تفسیرنورالثقلین جلد ۴ ازکتاب عوالی اللئالی روایت نقل شد ه ازمجمع البیان راازقول ابوذرنقل می کندکه بعدازخندیدن پیامبرم‌اکرم (ص) ، می نویسد : سپس حضرت این آیه راتلاوت فرمودند :

" فَاُولٰئِکَ یُبَدِّلُ اللّٰهُ سَیِّئٰاتِهِمْ حَسَنٰاتٍ "

متن کامل روایت درتفسیر نورالثقلین چنین است :

فِی عَوٰالِی اللَّئٰالِی وَعَنْ اَبِی ذَرٍّ قٰالَ : قٰالَ رَسُولُ اللّٰهِ (ص) یُؤْتٰی بِالرَّجُلِ یَوْمَ الْقِیٰامَةِ فَیُقٰالُ : اِعرِضُوا عَلَیْهِ صِغٰارَ ذُنُوبِهِ وَ

تُخَبِّرُ کِبَارُهَا ، فَیُقَالُ : عَمِلْتَ یَوْمَ کَذَا وَ کَذَا ، وَ هُوَ یُقِرُّ لَیْسَ یُنْکِرُ وَهُوَ مُشْفِقٌ مِنَ الْکَبَائِرِ اَنْ تَجِیءَ فَاِذَا اَرَادَاللّٰهُ خَیْرًا " قَالَ : اَعْطُوْهُ مَکَانَ کُلِّ سَیِّئَةٍ حَسَنَةً فَیَقُوْلُ : یَارَبِّ لِیْ ذُنُوْبٌ مَارَاَیْتُهَا هٰیْهُنَا قَالَ : وَرَاَیْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ (ص) ضَحِکَ حَتّٰی بَدَتْ نَوَاجِذُهُ ، ثُمَّ تَلَا : "فَاُولٰئِکَ یُبَدِّلُ اللّٰهُ سَیِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ "(۲۵)

آری باامیدباین رحمت عظیم الهی است که دردعای کمیل می بینیم حضرت علی (ع) این بزرگمرد خلوص وتقوی ونیایش ، تجسم راستین اوج ملکات وفضائلی که انسان بینهایت طلب ، همواره درطول تاریخ حیات بشری وتاقیام قائم عدل گسترجهان وازآن بعدتاقیامت کبری ، می طلبد ، درپیشگاه خداناله می کند وفریادبرمی آورد :

" اَللّٰهُمَّ لَااَجِدُلِذُنُوْبِیْ غَافِراً وَلَا لِقَبَائِحِیْ سَاتِراً وَلَا لِشَیْءٍ مِنْ عَمَلِیَ الْقَبِیْحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلاً " غَیْرَکَ .

" بارالها ! جزتوکسی رانمی یابم که گناهان مرابیخشاید کارهای ناستوده‌ام راپوشیده بدارد ، واندکی ازعمل زشت مرابه‌زیبامبدل کند . "

آری‌چه مهربان است وبخشنده ، خداوندرحمان ورحیم ، وچه ناشکرونگون بخت است بنده‌ٔ زبون وذلیل وضعیفی که حتی لحظه‌ای رابه غفلت گذراند ، وتاهنگامی که مرگش فرانرسیده‌خودرااز آلودگی ها و رنگارهانزدایدوازسنگینی گناهان نرهاند وبسوی خدایش روی نیاورد. امیداست که همگان بادعای خیر ومستمر وخالصانه برای یکدیگر همواره ازتوابین به‌درگاه‌الهی باشیم . " انشاءالله‌تعالی "

---

۲۵ ـ المیزان نیزپس‌ازنقل قسمتی ازاین حدیث می‌نویسد : این حدیث یکی از روایات بسیار زیاد و مستفیضی است که هم از طریق شیعه و هم سنی در مسئله تبدیل سیئات به‌حسنات از رسول خدا (ص) و امام محمد باقر و امام صادق و امام رضا (ع) رسیده است .

کیفیت توبهٔ انسان و پذیرش خداوند

آری امید به توبه ، به فرد اجازهٔ برگشت به پیشگاه خداوند تبارک و تعالی رامیدهد زیرا درغیراینصورت انسان به کجا می تواندروی آورد ؟ واین درواقع ازالطاف عظیم الهی است که مجددا "به فرداجازه برگشت می دهد و توبهٔ انسان همیشه میان دوتوبه ــ بازگشت ــ ازخداوند تبارک وتعالی قرار دارد . اولا رجوع پروردگار به انسان دراینکه خدای متعال توفیق وهدایت خویش رابه انسان ارزانی داردوبدین وسیله انسان موفق به استغفار و توبه به درگاه الهی گردد ، این توبه اول خداوندرحمان و رحیم است . ثانیا "رجوع خداوندبه انسان دراینکه گناهان اورابیامرزد و این توبهٔ دوم خدابتعالی است .

به بیان دیگر :

" هرتوبه (بازگشت) ازبنده به سوی خدا ، مساوی بادوبرگشت خداوندبسوی بنده می باشد ــ به حسب بیان قرآن ــ زیرا توبه یک عمل پسندیده‌ای است که محتاج به نیروی محرک است ونیرو دهنده‌هم خداست پس توفیق کارخیررا اول خداوندعنایت می کند تابنده قادربه توبه می‌شود وازگناه خودبرمی‌گرددوسپس وقتی موفق به‌توبه شد محتاج تطهیر ازآلودگی گناهان وآمرزش است آنجا نیزباردیگرمشمول عنایت‌ورحمت وآمرزش خدا قرارمی گیرد این دوعنایت وبرگشت خداهمان دوتوبه ای هستندکه‌توبه

بنده رادرمیان گرفته اند . (۲۶)

درسوره مبارکه‌توبه آیات ۱۱۷ و ۱۱۸ می خوانیم :

لَقَدْتَابَ اللّٰهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْاَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِمَاكَادَيَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ اِنَّهُ بِهِمْ رَؤُفٌ رَحِيمٌ . وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا حَتّٰى اِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْاَرْضُ بِمَارَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ اَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا اَنْ لَامَلْجَأَ مِنَ اللّٰهِ اِلَّا اِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا اِنَّ اللّٰهَ هُوَالتَّوَّابُ الرَّحِيمُ .

" خداوندرحمت‌خودراشامل حال پیامبر و (همچنین) مهاجران وانصار که درزمان عسرت وشدت (درجنگ تبوک) ازاو پیروی کردند نمود ، پس ازآنکه نزدیک بوددلهای گروهی ازآنهاازحق منحرف شود (واز میدان جنگ بازگردند) سپس‌خدا توبه آنهاراپذیرفت که‌اونسبت به آنان مهربان و رحیم است . (همچنین) آن سه تن (کعب بن مالک ، سراره‌بن ربیع وهلال بن امیه)راکه (درمدینه) بازماندند (وازشرکت درتبوک خودداری کردند ومسلمانان ازآنان قطع رابطه نمودند) تاآن‌حدکه زمین باهمه وسعتش برآنهاتنگ شدو (حتی) جائی درروجودخویش برای خود نمی‌یافتند ودانستندکه ازغضب خدا جزبه لطف اوپناهگاهی نیست ، درآن هنگام خدا آنانرا مشمول رحمت خودساخت‌وخداوندتوبه آنهارا پذیرفت که‌خداوندتوبه پذیرومهربان است . "

درقسمتی ازشأن نزول آیات فوق آمده است که : کعب بن‌مالک، وسراره‌بن ربیع وهلال بن امیه ازفرمان‌رسول خدا تخلف کرده ودرجنگ (تبوک)شرکت نکردند . البته این تخلفشان‌ازدرنفاق نبود بلکه ازاین

---

۲۶ ـ المیزان جلد ۸ ذیل تفسیر آیات ۱۷ و ۱۸ سوره مبارکه نساء

جهت بودکه مسامحه کردندوبعدا "پشیمان شدند . وقتی رسول خـــدا (ص) برگشت ، خدمتش رسیدند وعذرخواستند حضرت باآنان حرف نزد نزدمسلمانان رفتند ایشان هم باآنان حرف نزدندوخلاصه حتی یک نفرهم ازمسلمانان باآنان همکلام نشد حتی بچه هاهم ازایشان قهرکرده واعراض نمودند زنان این سه‌نفرنزدرسول خدا (ص) آمدند وعرض کردند آیاماهم بایدازشوهرانمان کناره گیری کنیم ؟ حضرت فرمود : نه ،ولکن نباید نزدیک شمابیایند . درنتیجه زندگی درمدینه برآنان تنگ شد بناچارسربه کوه نهاده‌ودرقله‌کوهی جای گرفتندوهمه روزه خانواده‌هاشان برایشان غذا می آوردند تاآنکه بیکدیگر گفتند : حالاکه همه‌مردم باماقهرکرده‌وحرف نمی زنندماچراباخودحرف بزنیم وچراازمسلمانان تبعیت نکنیم لاجرم هرکدام به‌قله کوهی‌رفتندودیگریکدیگرراندیدند وبهمین حال پنجاه‌روز درکوه مانده‌وبه درگاه خدا بضرع وزاری همی کردند واظهارتوبه وندامت همی نمودند . تاخداوندرحمن ورحیم توبه شان راقبول نمودواین آیه را درحقشان نازل کرد . " (۲۷)

آری همه چیزمان ازجانب الطاف بیکران الهی است تاآنجاکه اگرلحظه ای ارتباطواتصالمان از مبدءربوبیت قطع گردد سقوط خواهیم‌کرد وازآنجا که‌خداوندرحمان ورحیم‌نیزهمواره خیرونیکی بندگانش رامی‌خواهد دراین‌مورد نیز نه تنهابه بندگانش توفیق توبه ازگناهان رامرحمت فرموده بلکه توفیق پذیرش توبه اشان را نیزمرحمت فرموده است . چه‌ناشکری عظیمی است که ازاین نعمتهای عظیم ونجاتبخش ازعذاب دنیوی واخروی باتمام وجود وتوان استفاده نگردد .

---

۲۷ ــ المیزان جلد ۱۸ صفحه ۳۵۴.

بوی

خشنودی خداوند توبه‌کنندگان

خشنودی خداوندازتوبه‌بندگان

ازآنجاکه خداوند رحمان ورحیم عنایت خاصی نسبت به بندگانش دارد ومشیت الهی برآنست که‌از میان آنان کسانی راخلیفه‌خویش‌درزمین قراردهد :

وَعَدَاللّٰهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّٰالِحٰاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...(۲۸).

" خداوند به‌کسانی ازشماکه ایمان آوردند وعمل صالح انجام دادند وعده داده‌است که هر آینه ایشان را خلیفد خواهد کرد ..."

و از میان آنان امتی نمونه و گواه و شاهد برای تمام مردم قرار دهد :

" وَ كَذٰلِكَ جَعَلْنٰاكُمْ أُمَّةً وَسَطاً " لِتَكُونُوا شُهَدٰاءَ عَلَى النّٰاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً "(۲۹).

" و ما همچنان شما مسلمین را به آئین اسلام هدایت کردیم و به اخلاق معتدل و سیرت نیکو بیاراستیم تا گواه مردم باشید (و سر مشق درستی خلق) تا نیکی و درستی را سایر ملل عالم از شما بیاموزند چنانچه پیامبر را گواه شما کردیم تا شما از وی بیاموزید . "

آری خداوند مهربان دوست دارد که همواره همهٔ بندگانش در صراط مستقیم حرکت نمایند تا بتوانند خلیفد خدا در زمین گردند و

---

۲۸ ــ سوره مبارکه نور آیه ۵۵ .

۲۹ ــ سوره مبارکه بقره آیه ۱۴۳ .

نمونه و الگوئی برای دیگران . و وقتی که بنده‌ای بر اثر انحراف از صراط مستقیم توبه می‌کند و به پیشگاه الهی برمی‌گردد خداوند تبارک و تعالی بسیار خرسند می‌گردد که حتی بسیار بیشتر از خرسندی فردی است که در سیاهی و ظلمات شب تار و تاریک گمشدهٔ بسیار گرانمایه و عزیزش را بیابد .

از امام پنجم حضرت باقر(ع) روایت است که فرمودند :

اِنَّ اللّٰهَ تَعٰالیٰ اَشَدُّ فَرَحا " بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ مِنْ رَجُلٍ ضَلَّ رٰاحِلَتَهُ وَ زٰادَهُ فِی لَیْلَةٍ ظَلْمٰاءٍ فَوَجَدَهٰا فَاللّٰهُ اَشَدُّ فَرَحا " بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ مِنْ ذٰلِکَ الرَّجُلِ بِرٰاحِلَتِهِ حِینَ وَجَدَهٰا (۳۰).

" همانا خدای تعالی به توبه و بازگشت بنده خود بسیار فرحناکتر و خشنودتر از مردیست که در شب تاری شتر و توشهٔ خود را گم کند و سپس پیدا نماید . خداوند تبارک و تعالی به توبهٔ بنده‌اش از چنین مردی در آنحال که راحلهٔ گمشده‌اش را پیدا کند بسیار خرسندتر است" .

و نیز از امام هشتم علی بن موسی الرضا (ع) روایت است که فرمودند :

" هرگاه شخصی توشهٔ خود را بر شتر بار کرده و بر آن سوار گشته و در بیابانی به راه افتد . ناگهان خواب بر وی غلبه کند و از شتر به پائین آید و در حالیکه مهار شتر را در دست گرفته بخواب فرو رود . وقتی که بیدار می‌گردد سخت گرسنه و تشنه می‌باشد و شترش را هر چه می‌جوید ، نمی‌یابد . آخرالامر قرار را بر مردن نهد و زمین را بکند و روبه قبله در حالیکه شهادتین را ادا می‌کند بخوابد اما ناگاه وی را خواب میرباید و وقتی که چشم باز می‌کند شتر را ببیند که بر

---

۳۰ ـ اصول کافی جلد ۴ .

بالین سرش ایستاده، حال چقدر شاد و خوشحال میگردد. حق تعالی نیز از توبه و بازگشت بندهٔ گناهکار حتی بیشتر از آن خشنود و خرسند می‌گردد" (۳۱).

خداوند رحمان و رحیم کسی را بدون توبه نمی‌میراند مگرآنکه میداند اگر باز هم زنده بماند ابدا" توبه نمی‌کند (۳۲).

چنانکه در جواب اهل جهنم که می‌گوید: *رَبَّنَا اَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحاً* (۳۳)

" پرودگارا ما را به دنیا بازگردان تا کارهای خیر انجام دهیم و عمل صالحی بجا آوریم".

خداوند می‌فرماید: *وَلَوْرُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَاِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ* (۳۴)

" اگر ایشان به دنیا برگردند چنان نیست که ایمان آورند و نافرمانی ننمایند بلکه بر کفر خود باقی خواهند ماند و به همان اعمال زشتی که از آن نهی شده بودند اعاده خواهند کرد و دروغ می‌گویند که دیگر کار بد نخواهیم کرد". آری خرسندی خداوند از توبه و بازگشت می‌دهد روایت زیر که از اصول کافی جلد ۴ نقل میشود دال بر این مدعا خواهد بود.

محمد بن مسلم می‌گوید که حضرت باقر (ع) فرمود:

" يَا مُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمٍ! ذُنُوبُ الْمُؤْمِنِ اِذَا تَابَ مِنْهَا مَغْفُورَةٌ لَهُ فَلْيَعْمَلِ الْمُؤْمِنُ لِمَا يَسْتَأْنِفُ بَعْدَ التَّوْبَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ، اَمَا وَاللّٰهِ اِنَّهَا لَيْسَتْ اِلَّا لِاَهْلِ الْاِيمَانِ".

---

۳۱ ـ نقل از کتاب لطائف المواقف.
۳۲ ـ ارشاد القلوب دیلمی.
۳۳ ـ سوره مبارکه فاطر آیه ۳۷.
۳۴ ـ سوره مبارکه انعام آیه ۲۸.

ای محمد بن مسلم گناهان موءمن که از آن توبه کند برای او آمرزیده است وباید پس ازتوبه وآمرزش برای آینده کار (نیک)کند . هر آینه بخدا سوگند این فضیلت فقط برای اهل ایمان است .

محمدبن مسلم می گوید عرض کردم : پس اگربعدازتوبه واستغفار ازگناهان دوباره گناه کندومجددا "توبه نماید (چگونه است) ؟حضرت فرمودند : *یَامُحَمَّدبْنَ مُسْلِم أَتَرَی الْعَبْدَالْمُؤْمِنَ یَنْدَمُ عَلیٰ ذَنْبِهِ وَ یَسْتَغْفِرُ مِنْهُ وَیَتُوبُ ثُمَّ لَا یَقْبَلُ اللّٰهُ تَوْبَتَـــهُ ؟*

ای محمدبن مسلم آیا تصورمی کنی که بندهٔ موءمن ازگناه خود پشیمان شودوازآن آمرزش خواهد وتوبه کندوخداوندتوبه اش رانپذیرد ؟

محمدبن مسلم می گوید عرض کردم : *فَاِنَّهُ فَعَلَ ذٰلِکَ مِرٰارا " یُذْنِبُ ثُمَّ یَتُوبُ وَیَسْتَغْفِـــرُ (اللّٰهَ)*

اگرچندباراین کارراتکرار کندوگناه کند سپس توبه نماید وازخدا آمرزش خواهد (این چگونه است) ؟ حضرت فرمودند : *کُلَّمٰا عٰادَالْمُؤْمِنُ بِالْاِسْتِغْفٰارِ وَالتَّـــوْبَةِ عٰادَاللّٰهُ عَلَیْـهِ بِالْمَغْفِـــرَةِ وَاِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ ، یَقْبَلُ التَّوْبَةَ وَیَعْفُو عَنِ السَّیِّئٰاتِ ، فَاِیّٰاکَ اَنْ تُقَنِّطَ الْمُؤْمِنِینَ مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ .*

هرآنگاه که موءمن به استغفاروتوبه بازگردد خداوند نیزبه آمرزش او برمی‌گردد (گناهش رابیامرزد) و به درستی که خداوندآمرزنده و مهربان است ، توبه‌رامی پذیرد وکردارهای بدرامورد عفو قرارمی دهد پس مباداتو موءمنان راازرحمت خدا نومیدودورسازی . "

البته بایدتوجه داشت این درصورتی است که فردقلبا "ازانجام گناه پشیمان باشـد ودرصددترک گناه باشد نه آنکه درهمان حالیکدمرتکب گناه می‌گرددتوبه هم بنمایدوازگناهش نیزدست نکشد این عمل جزمسخره کردن خودکاردیگری نیست .

ازامام باقر (ع) روایت است که فرمودند :

"اَلتّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ کَمَنْ لاذَنْبَ لَـهُ وَالْمُقیمُ عَلَی الذَّنْبِ وَ هُوَ مُسْتَغْفِرٌ مِنْهُ کَالْمُسْتَهْزِی "(۳۵).

" توبه کنندهٔ ازگناه همانندکسی است که دیگرگناه نـدارد و درحالیکه به انجام گناهی ادامه می دهد آمرزش ازآن نیزمی خواهد مانند مسخرگان است "

درصحیفه‌سجادیه‌دعای‌سی ویکم ، می‌بینیم که‌امام زین‌العابدین (ع) این زیباترین روح پرستنده چگونه دست نیایش به درگاه الهی بلند کرده وناله می‌کند. ، چه زیبااین مفاهیم رابیان میدارد :

اَللّهُمَّ فَهـا اَنَا ذا قَدْ جِئْتُکَ مُطیعا "لِاَمْرِکَ فیمااَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعا مُتَنَجِّزا " وَعْدَکَ فیما وَعَدْتَ بِهِ مِنَ الْاِجابَةِ اِذْتَقُولُ ادْعُونی اَسْتَجِبْ لَکُمْ

" اکنون ای پروردگارمتعال بامسکنت ومذلت به سوی توروی آورده‌ام وسرطاعت به درگاه توبرخاک نهاده‌ام. فرمان ترابجان پذیرم‌و مهرترادردل بگیرم. این توئی که بندگان خویش رابه درگاه خویش‌خوانی وآنان رابه توبت وانابت دعوت فرمائی ووعده دهی که‌دعای مستمندان رابه اجابت مقرون سازی . این توئی که گویی : *اُدْعُونی اَسْتَجِبْ لَکُمْ* واین منم که به امیداستجابت دست دعابه جانب توبرداشته ام " (۳۶).

اَللّهُمَّ اِنّی اَتُوبُ اِلَیْکَ فی مَقامی هٰذا .

ای پروردگار من دراین حال ووضعیت خودبه سوی تو بازگشت می نمایم و توبه می کنم ازهرچه که معصیت است :

---

۳۵ ــ اصول کافی جلد ۴.

۳۶ ــ صحیفه سجادیه ترجمه نگارش جواد فاضل.

مِنْ کَبائِرِ ذُنُوبِی وَصَغائِرِها

خواه گناه کبیره، خواه گناهان صغیره

وَبَواطِنِ سَیِّئاتِی وَظَواهِرِها

خواه گناهان پنهان وخواه آشکار

وَسَوالِفِ زَلّاتِی وَحَوادِثِها

خواه لغزشهای گذشته وخواه حال

تَوْبَةَ مَنْ لا یُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِیَةٍ

همچون توبه کسی که : دیگرخیال گناهی دردلش ونفسش نگذرد

وَلا یُضْمِرُ اَنْ یَعُودَ فِی خَطِیئَةٍ

وفکربرگشتن به خطائی رابه ضمیرش راه ندهد .

وَقَدْقُلْتَ یااِلٰهِی فِی مُحْکَمِ کِتابِکَ

ای پروردگارمتعال توحوددرقرآن کریم کتاب محکم واستوارت که باطل ونادرستی درآن بهیچ وجه راه ندارد فرموده ای :

اِنَّکَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبادِکَ وَتَعْفُو عَنِ السَّیِّئاتِ

همواره توبه بندگان گناهکارخویش رامی پذیری وازگناهانشان می گذری .

وَتُحِبُّ التَّوّابِینَ

وآنانرا که پیوسته توبه می کنند دوست میداری .

فَاقْبَلْ تَوْبَتِی کَما وَعَدْتَ

پس ای خدا همانگونه که وعده داده ای توبه ام را بپذیر .

وَاعْفُ عَنْ سَیِّئاتِی کَما ضَمِنْتَ

وهمانگونه که ضمانت کرده ای ازگناهانم درگذر .

وَاَوْجِبْ لِی مَحَبَّتَکَ کَمَا شَرَطْتَ

وچنانکه شرط کرده ای چراغ محبت خویش را درقلبم برافروز

راستی دربرابراین همه دریا ی رحمت وبخشش وگذشت چه بی انصافی وبی عدالتی است که انسان به خودنیاید وتاوقت نگذشته است چاره ای برای خویش نیندیشد ! بخشش ورحمتی که نه تنهابرای نجات انسانها راه نشان میدهد وراهنماتعیین می کند بلکه درنهایت خشنودی نیزبرمی‌آید وقتی که‌بنده‌ای ازبندگان ره گم کرده ، راه روشنی وهدایت رامی یابد و نجات ورستگاری دنیاوآخرت نصیبش می گردد . پس بیائیم ، ومانیز با خدای خویش عهدوپیمان‌بندیم همچون عهد و پیمانی که امام چهارم ، سیدالساجدین والعارفین (ع) ندایش راسرمیدهد ودرفضا طنین می‌اندازد راستی چه زیبا ودلنشین باخدایش نیایش می کندکه برای همیشه تاریخ زبان حال وزبان دل عاشقان این راه وسالکان حق وحقیقت است :

لَکَ یَا رَبِّ شَرْطِی :

ای پروردگارمن شرط وقرارمن باتوآنستکه

اَلَّا اَعُودَ فِی مَکْرُوهِکَ

به‌آنچه کهناپسندتوست بازنگردم

وَضَمَانِی اَلَّا اَرْجِعَ فِی مَذْمُومِکَ

وضمانتم آنست که به کاری که نزدتوزشت‌ونکوهیده است رجوع ننمایم (ودوباره گناهی رامرتکب نگردم)

وَعَهْدِی اَنْ اَهْجُرَ جَمِیعَ مَعَاصِیکَ

وپیمانم‌آنست‌که ازهمهٔ معاصی توهمواره دوری گزینم . . . انشاء ا . .تعالی

وجوب توبه از گناهان

وجوب توبه ازگناهان :

انسان درمسیربندگی خویش هرآن ممکنست دچارلغزشهاومعصیت هائی گردد وگناهان همچون لکه‌های سیاهی مانند که اگربرروی آینه‌صافی نشینندبمرورآنچنان آینه رابه‌سیاهی کشندکه‌شایددیگربازگشت سفیدی آن ممکن نگردد .انسان نیزاین چنین است اگرآلودگی به گناهان راازطریق صحیح جبران ننمایـــدناگهان‌درورطهٔ‌نابودی غرق خواهدگشت ازاینرو توبه واستغفـــارازگناه که درمان وعلاج این سم کشنده ومهلک می باشد دربسیاری ازموارد برانسان واجب گردیده است هرچندازنظر عقلی نیز دفع شـــر وخطرازطریق ممکن لازم وضروری می باشد .

آری "توبه‌فی نفسه واجب است ازتمام کارهای ناپسندوازواجباتیکه درآن‌اخلال و سستی شـــده باشد " (۳۷) عالم ربـــانی وشهید محراب حضرت آیـــت الله دستغیب رحمه الله علیه درکتاب پرارزش **گناهان‌کبیره** می نویســد :

" توبه ازگناهان چه کبیره وچه صغیره بهاتفاق جمیع علماء وبه حکم عقل واجبست چنانچه شیـــخ طـــوســـی درتجریدالکلام وعلّامهٔ حِلّی درشرح آن فرموده اندکه‌باتوبه دفع ضررمی شودودفع ضررهم‌عقلاواجبست پس تـــوبه به حکم عقل واجبست چنانچه درسورهٔ‌نور آیه ۳۱ خداوندفرمان میدهد : ***(فعل امر تُوبُوا قابل تاءمل است)*** "

---

۳۷ ــ ارشادالقلوب دیلمی قسمت توبه .

تُوبُوا اِلَی اللّٰهِ جَمِیعا "اَیُّهَاالْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ.

ای اهل ایمان " همه به درگاه‌خدا توبه کنید باشدکه رستگار شوید "

معراج السعادة دراین زمینه می نویسد :

" توبه کردن ازهمهٔ‌گناهان واجب است به‌اجماع جمیع امت (علمای امت) وصریح آیات قرانیه . . .واخباربی حدوحصرنیزدرتوبه ازهرگناهی واردشده وعقل سلیم وطبع مستقیم نیز دلالت بروجوب آن می کندزیرا شکی نیست هرچیزی که رسیدن به سعادت ابدیه و نجات سرمدیه موقوف برآنست تحصیل آن واجب ولازمست وشبهه نیست که سعادتی نیست بجزلقای پروردگاروانس به اوپس هرکه محروم ازقرب وصال وممنوع ازمشاهدهٔ جلال وجمال ایزدمتعال باشد ازجملهٔ اشقیاءوبه آتش دوری‌وآتش جهنم معذب می باشد و هیچ چیز باعث دوری وسبب مهجوری نمی‌گرددمگرمعاصی وگناهان ، وچاره آن نیست مگرتوبه وانابه پس به‌حکم عقلی توبه واجب عینی است برهرکسی که مرتکب معصیتی شده باشد . "

آری ازآنجاکه گناهان هرلحظه درکمین انسانند بنابراین توبه اختصاص به شخص خاصی ویاوقت خاصی نداردبلکه برهمه کس درهمه‌وقت لازمست تاآنجاکه توبه‌واجب فوری می باشدچنانچه شیخ بهائی علیه‌الرحمه در**شرح اربعین** فرموده " شکی دروجوب فوری توبه نیست " (۳۸)

---

۳۸ ـ نقل از کتاب گناهان کبیره شهید آیت الله دستغیب قسمت توبه.

مراتب توبه

مراتب تـــوبـــه :

بنابه‌آنچه که شرحش گذشت " توبه ازبعضی گناهان ، واجب شرعیست که اگـــرکسی مرتکب آن‌گناهان شده باشدوبی‌توبه ازدنیابرود مستحق عذاب الهی خواهد بودوآن گناهانی است که درشریعت مقدس اسلام برهمه کس حرام شده‌است وهمهٔ‌مردم دروجوب توبه ازآنهایکسانند ولی بعضی دیگرازگناهان‌چون وساوس نفسانیه ورغبت قلبی به معاصی و قصوردرمعرفت وعظمت وجلال حضرت باری تعالی وامثال اینها ،توبـه ازآنهاواجب شرعی نیست که ترک آن موجب عذاب اخروی‌گردد بلکه وجوب آن ازوجوب شرطی است یعنی‌کسیکه‌می خواهد پابربساط قرب‌حضرت معبودنهدوبه مقام محمود برسدبایدازآنهانیزتوبه نمایدپس کسیکه‌به‌نجات ازعذاب قناعت کند وطالب زیادترازآن نباشدتوبه ازاین قسم گناه برا و واجب نیست ووجوب آن از برای کسی است که وصول به‌مراتب ارجمندرا طالب می باشد " (۳۹) زیرادررسیدن به جوارقرب حضرت حق‌حدی‌نیست و " آنهائیکه‌هیچ‌آلودگی به‌گناه نداشته باشنددرهمان مقام معرفت‌و حـــال وعبادت که هستندیقینا "بالاترازآن مقام وحالی خواهدبود.که‌مقام‌و حال فعلی نسبت به‌آن ذنب است وهمچنین درهرحالی که اردکر وحدی‌ازقرب هم‌که‌باشندبازبالاترازآن‌مقامی است که باید خودرابه آن برسانند بالجمله هرکس درهرحدی ازمعرفت وعبودیت وشکرگزاری که باشدیقینا " آنطوریکه سزاوارحضرت رب العالمین است نخواهد بودچنانچه سرورکائنـــات و

---

۳۹ ـ معراج السعاده باب توبه.

نخستین شخص عالم آفرینش یعنی رسول خدا (ص) می فرمود :آنطوریکه سزاوارشناختنی ، ترانشناختیم وآنطوریکه‌سزاوارپرستشی ، ترانپرستیدیم .

بنابراین‌وقتیکه‌می شنویم پیغمبرخدا (ص) فرموده‌است من‌هرروز هفتاد مرتبه استغفارمی کنم چنین توبه واستغفاریست نه ازخطاوترک اولی ، چون وجود مقدسش ازهرپلیدی پاک وبه تعبیردیگرپاک شده‌خدائی‌است"[۴۰] امام‌صادق (ع) درمراتب توبه‌نسبت به‌توبه‌کنندگان می فرماید[۴۱].

كُلُّ فِرْقَةٍ مِنَ الْعِبَادِ لَهُمْ تَوْبَةٌ

برای هرگروه ازبندگان توبه‌ای خاص ایشان است .

تَوْبَةُ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ اِضْطِرَابِ السِّرِّ

توبهٔ پیامبران ازاضطراب نفس است تعبیر به‌اضطراب بسیار قابل تامل است. نفس نفیس پیامبران همواره درحداعلاء متوجه یاد خداوندتبارک وتعالی .می باشدولحظد ای ازاین توجه‌کاسته نمی گردد گوئی که تعلق پیامبران به حضرت باری تعالی ازقبیل تعلق ماهی است به آب. همچنانکه برای لحظه ای جداشدن ماهی ازآب ، موجب اضطراب ایشان است .

ازاینرو اگربه سبب ارتکاب عمل مباح ویاامری ازامورفاهی‌که لازمهٔ حیات هرفرداست ، کاستگی درتوجه ایشان نسبت به خداپیدا شود ضمیرونفسشان مضطرب می گرددوازاین حالت توبه واستغفارمی‌نمایند آری برای آنکه پیامبران لحظه‌ای ارتباط ویادشان ازخداوندرحمان قطع نگشته وازاوجش کاسته نگردد می بینیم که نماز شب برپیامبرواجب میگردد

---

۴۰ ـ نقل از کتاب گناهان کبیره شهید آیت الله دستغیب

۴۱ ـ شرح فارسی مصباح الشریعه جلد ۲ چاپ انتشارات دانشگاه تهران و نیز بحار الانوار جلد ۶ باب ۲۰.

درقرآن مجید سوره‌مبارکه مُزَّمِّل می خوانیم :

یاایُّهَاالْمُزَّمِّلُ قُمِ اللَّیْلَ اِلّا قَلیلا " نِصْفَهُ اَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلیلا "اَوْزِدْ عَلَیْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتیلا " اِنّا سَنُلْقی عَلَیْکَ قَوْلا " ثَقیلاً اِنَّ ناشِئَةَ اللَّیْلِ هِیَ اَشَدُّ وَطْأً وَاَقْوَمُ قیلا " اِنَّ لَکَ فِی النَّهارِ سَبْعاً طَویلا " وَاذْکُرِاسْمَ رَبِّکَ وَتَبَتَّلْ اِلَیْهِ تَبْتیلا " رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ .

الا ای رسولیکه درجامه (فکرت وخاموشی) خفته‌ای ، هان شب‌را بنمازوطاعت خدا برخیز مگرکمی که‌نصف یاچیزی کمترازنصف باشد (به استراحت پرداز) یاچیزی برنصف بیفزا وبه‌تلاوت آیات قرآن باتوجه کامل مشغول باش . مابه وحی خودکلام بسیارسنگین (گرانمایه‌قرآن‌را)بر توالقامی کنیم البته نمازشب (ودعاوناله سحر) بهترین شاهداخلاص (وصفای) قلب ودعوی صدق ایمان است توراروزروشن (درطلب روزی) وقت کافی وفرصت وسیع است ودایم درشب وروز نام خدا یادکن وبکلی‌از غیراوعلاقه ببروبه‌اوپرداز (که بی انقطاع ازخلق اتصال به‌حق‌میسرنگردد) همان خدای مشرق ومغرب عالم که جزاوهیچ خدائی نیست اورابرخود وکیل ونگهبان اختیارکن .

البته درمیان دیگربندگان صالح خداوند تبارک وتعالی نیز می‌بینیم‌که برای نزدیکی هرچه بیشتر به خداگوئی نمازشب‌رابرخودواجب میدانند **مثلاامام امت ، خمینی روح خدا ، این بزرگ عارف عالم‌بشریت‌و مُنادی حق وحقیقت ، بیش‌ازچهل سال است که نماز صبحش رابـاوضوی نمازشب می خواند .**

افسوس‌که درچهارچوب بحث ما نیست وگرنه بابضاعت اندک خویش می توان چندین صفحه درباره‌ٔارزش آفرینیها وموج آفرینیهای این وارث به حق حسین که مسلما "ملهم ازنیایشهای خالصانه وعارفانه

اومیباشد سخن گفت . دربحرانی ترین مراحل حساس وسرنوشت ساز جهان اسلام علی الخصوص ایران بایک بیانیهٔ کوتاه بزرگترین دگرگو نی وتحول راایجادکرده اند وتوانسته اند دربرابر خونخوارترین ابرنکبتهاکه به‌مجهزترین تجهیزات مجهزند سرسختانه بایستندوحتی لحظه‌ای ، ذره‌ای ترس نیزدرخودراه‌ندهندوهمه‌آنان‌راگیج ومبهوت ساخته وهمچون غرنده‌ای حروشان نوید پیروزی رافریادبرآرند . الله اکبر !

تَوْبَةُ الْاَوْلِيَاءِ مِنْ تَلْوِينِ الْخَطَرَاتِ

توبهٔ اولیاء ودوستان خدا (ائمه علیهم السلام) ازخطرات و افکاریست که ممکنست گاهی درخاطرمبارک وذهن مطهرشان خطورکند .

(البتد تعاریف ازاولیاء واصفیاء وخواص که‌ملاحظه می شود تعریف جامع‌ومانع نیست بلکه تنهایک تعریف نسبی درشرح این حدیث است) .

تَوْبَةُ الْاَصْفِيَاءِ مِنَ التَّنَفُّسِ

توبهٔ‌اصفیاء (موءمنان خالصی که درنهایت تلاش برای زدودن آخرین زنگارهای غیرالهی ازوجودشان هستند) آنچنان توبه ایست‌که‌اگر دربعضی ازنفس زدنها غفلتی ازیادخدابرایشان رخ دهدتوبه می کنند .

تَوْبَةُ الْخَوَاصِّ مِنَ الْاِشْتِغَالِ بِغَيْرِ اللّٰهِ

توبه خواص (که درصدد مراقبت اعمال خودبه منظورسیروسلوک مراحل عالیترنسبت به قرب الهی هستند) ازاشتغال به غیریادخدا می باشد .

تَوْبَةُ الْعَوَامِ مِنَ الذُّنُوبِ

توبه عوام ،توبه ازگناهان است (چه گناهان صغیره وچه‌گناهان

کبیره وبرگشت ازهرنوع خلاف دستورخداوندتبارک وتعالی وشایددربعضی بازگشت ازکفربه ایمان باشد) درواقع این نوع توبه‌واجب شرعیست که‌در غیراینصورت مستحق کیفروعذاب الهی خواهند شد .

خواجه عبـــدالله انصاری درکتاب **صدمیدان** درمراتب توبه می نویسد : " اقسام توبه سه است : توبهٔ مطیع ، توبهٔ عاصـی ، توبهٔ عارف .

توبهٔ مطیع ازبسیاردیدن طاعت ،توبه عاصی‌ازاندک دیدن معصیت وتوبه عارف ازنسیان منت .

و بسیاردیدن طاعت را سه نشان است :

یکی خودرابه‌کردارخودناجی دیدن ،دیگرمقصرانرابه‌چشم خاری نگریستن . سیم عیب کردارخودرابازناجستن .

واندک‌دیدن‌معصیت راسه‌نشانست :یکی خودرامستحق آمرزش دیدن ، دیگربراضرارآرام گرفتن ، سیم بابدان الفت داشتن .

ونسیان منت راسه‌نشانست : چشم احتقارازخودبرگرفتن ، وحال خودراقیمت نهادن وازشادی آشنائی فرواستادن .

توبہ نصوح

توبهٔ نَصوح :

درقرآن مجیددرسورهٔ مبارکهٔ تحریم آیه ۸ می بینیم که خداوند تبارک وتعالی بندگان رااز مربه توبه نصوح می کند :

"یاایّهاالّذینَ آمَنوا توبوا اِلَی اللّهِ توبةً نَصوحا "عَسی رَبُّکُمْ اَنْ یُکَفِّرَعَنْکُمْ سَیِّئاتِکُمْ .

" الای موءمنان بهدرگاه خدا توبه نصوح (باخلوص ودوام)کنید باشدکه خداگناهانتان رامستورومحو گرداند " . پس توبه ای راکه مورد توجه حق تعالی است توبه نصوح می باشد حال ببینیم توبه نصوح چیست.

قـــــــاموس قـــــــرآن

نَصْح : (بروزن فلس) به معنی خالص شدن وخالص کردن است
" نَصْحُ الْعَسَـــلِ " یعنی عسل راصاف وخالص کرد .
" نصح " به معنی اخلاص می باشد درمجمع فرموده ، *"اَلنَّصْحُ اِخْلاصُ الْعَمَلِ مِنَ الْغَشِّ"* .

پند دادن رااز آن جهت نصح ونصیحت گویند کهازروی خلوص نیت وخیرخواهی محض است .

درصحاح وقاموس، توبهٔ نصوح راتوبه صادقه گفته است راغب توبه محکم نیزگفته است . بهرحال توبه نصوح آنست کهبرگشت به گنـــاه درآن نباشد .

درمجمع آمده که معاذبن جبل گفت : یارسول الله توبه نصوح چیست ؟

فرمود : *اَنْ یَتُوبَ التَّائِبُ ثُمَّ لایَرْجِعُ فِی ذَنْبٍ کَمالا یَعُودُاللَّبَنُ اِلَـی الضَّـرْعِ* "

یعنی توبه کندودیگربه گناه برنگردد چنانکه شیر به پستان‌بار نمی گردد .

اصول کافی‌می نویسد : ابوالصباح کنانی می گوید ازحضرت صادق (ع) دربارهٔ تفسیر *"یاایُّهاالَّذِینَ آمَنُوا تُوبُوا اِلَی اللّٰهِ تَوْبَةًنَصُوحا"* پرسیدم ، حضرت فرمود :

" یَتُـوبُ الْعَبْدُ مِنَ الذَّنْبِ ثُـمَّ لایَعُـودُفیـهِ " یعنـی بنده ازگناه توبه کندودیگربه آن بازنگردد . همچنین دراصول کافی جلـد۴ در یکی ازوجوه توبه می خوانیم :

توبه نصوح توبه ایست که خالص وپاک برای رضای خداوخالصا" لوجه الله باشـد وریشهٔاین لغت از " عسل نصوح "گرفته شده وبه‌معنای آن عسلی‌است که خالص و پاک از موم باشد و از آن جمله اینکه نصوح ار نصاحت‌به‌معنی‌خیاطت باشدزیرابوسیله‌آن هرآنچه گناهان ازپردهٔ دیانت پاره کرده‌رفو کند . بااین‌توبه میانه اوواولیاءخدا ودوستانش راجمع کند واو رابـه آنان متصل سازد چنانچه بوسیله دوختن ، تکه های پارچه بهم متصل می‌گردد.

کلام گرانبار حضرت علی (ع) (۴۲)

شخصی درحضورحضرت علی(ع) گفت *"اَسْتَغْفِرُاللّٰهَ "*به این خیال که باگفتن این جمله تائب می شود امیرالموءمنین باشدت وتندی به اوفرمودآیاتومیدانی استغفارچیست تولفظ استغفاررا باخوداستغفاراشتباه کرده‌ای. انسان بایدخیلی متعالی باشدتاتوفیق توبه پیداکندتوبه چند

---

۴۲ ـ نهج البلاغه فیض الاسلام کلمات قصار ۴۰۹.

شرط دارد (شرط تحقق یاکمال) :

۱ ـ اَوَّلُهَا النَّدَمُ عَلٰی مَامَضٰی

شرط اول آن ندامت وپشیمانی کامل ازگناهان گذشته است (می باید رویت رابطورکامل ازسوئی که تابحال میرفته ای برگردانی)

۲ ـ وَالثّانِی : اَلْعَزْمُ عَلٰی تَرْکِ الْعَوْدِاِلَیْهِ اَبَدا "

عزم برترک وبازنگشتن به آن گناه برای همیشه .

۳ ـ وَالثّالِثُ : اَنْ تُؤَدِّیَ اِلَی الْمَخْلُوقِینَ حُقُوقَهُمْ حَتّٰی تَلْقَی اللّٰهَ اَمْلَسَ لَیْسَ عَلَیْکَ تَبِعَةٌ

اداء حقوق مردم بطوریکه هنگام مردن پاک باشی و (رحمت) خدارا ملاقات کنی درحالیکه حق کسی برعهده ات نباشد .

۴ ـ وَالرّابِعُ : اَنْ تَعْمِدَاِلٰی کُلِّ فَرِیضَةٍ عَلَیْکَ ضَیَّعْتَهَا فَتُؤَدِّیَ حَقَّهَا

اداء حقوق کلیه واجباتی راکه انجامش بر تو واجب بوده ولی بجا نیاورده ای .

۵ ـ وَالْخامِسُ : اَنْ تَعْمِدَ اِلَی اللَّحْمِ الَّذِی نَبَتَ عَلَی السُّحْتِ فَتُذِیبَهُ بِالْاَحْزانِ حَتّٰی تُلْصِقَ الْجِلْدَ بِالْعَظْمِ وَیَنْشَاءَ بَیْنَهُمَا لَحْمٌ جَدِیدٌ.

آنچه ازگوشت بدنت که ازحرام روئیده ،بااندوه وغصه ورنج و ریاضت آبش نمائی تاآنجاکه پوست به استخوان بچسبدوسپس گوشت تازه وحلال بروید .

۶ ـ وَالسّادِسُ: اَنْ تُذِیقَ الْجِسْمَ اَلَمَ الطّاعَةِ کَمَا اَذَقْتَهُ حَلاوَةَ الْمَعْصِیَةِ

زحمت عبادت را به خود بچشانی چنانچه خوشی و شیرینی گناه را چشانده ای است .

فَعِنْدَ ذٰلِکَ تَقُولُ: اَسْتَغْفِرُاللّٰهَ

آنگاه که این شش امر را بجا آوردی بگو **استغفرالله**.

کتاب ارزشمند **معراج السعادة** می‌نویسد:

" مراد حضرت استغفار کامل است و مراد آن نیست که استغفار کردن بدون مجموع این شش امر لغو و بی فایده است زیرا شکی نیست که تلفظ کلمهٔ استغفرالله از روی اخلاص با فهمیدن معنی آن نیز موجب تخفیف عذابست بلکه گفتن آن از برای ثواب اگرچه معنی آن را نفهمد خالی از ثواب نیست همچنانکه بسیاری از عوام می‌گویند"

معراج السعادة می‌نویسد: باید دانست گناهی که از آدمی سر زده یا فقط از حق الله است و غیر خدا بتعالی را در آن حقی نیست یا در آن حق الناس نیز هست.

توبهٔ از گناهی که فقط از حق الله است.

اگر گناه فقط حق الله باشد بر دو قسم است:

۱ ـ یا معصیتی است که قضا و تلافی از برای آن واجب نیست مثل شرب خمر و ساز زدن و امثال اینها، در توبه از این قسم همان پشیمانی و عزم بر ترک، و حزن و اندوه از ارتکاب آن در قبول توبه کفایت می‌کند.

۲ ـ اما اگر معصیتی باشد که تلافی آن شرعاً" لازمست مثل نماز و روزه و امثال اینها. در توبه از این قسم علاوه بر پشیمانی و عزم بر عدم ارتکاب آن معصیت به قدر امکان آنچه را که ترک نموده‌ای قضا می‌نمائی تا دیگر یقین به بقای قضا در ذمهٔ (گردن) خود نداشته باشی.

توبه از گناهی که در آن حق الناس نیز هست.

در توبه از این قسم که در آن حق مردم نیز هست چون لامحاله در آنها حق الله نیز هست برای تلافی حق الله باید با حسرت و انداوه نادم و پشیمان گشته و برای همیشه عزم ترک آن معصیت را بکند. ولی حق الناس ، که آن حق یا حقیست که تعلق بمال می‌گیرد. یا به بدن یا به حرم و اهل (همسر و اعضای خانواده).

۱ ــ حق مالی

اگر حق مالی باشد واجبست که اگر قدرت داشته باشی آنرا به صاحبش ردنمائی و اگر صاحبش معلوم نباشد به فقرا برسان و اگر به جهت تنگدستی قدرت براداء آن را نداشته باشی از صاحب آن حلال خواهی کن. اگر او حلال نکند یا دسترس به صاحب آن نداشته باشی باید تضرع و زاری به درگاه حضرت باری تعالی نمائی که در روز حساب او را از تو راضی نماید و بسیاراز برای صاحبش طلب آمرزش نمائی و افعال حسنه (به نیابت از او) بجا آوری تا روز قیامت به عوض آن حق بدهی.

۲ ــ حق بدنی

اگر حق بدنی باشد مثل اینکه او را کشته باشی یا عضوی از اورا شکسته باشی یا مجروح کرده باشی پس واجب است که تمکین کنی (اجازه دهی) تا صاحب حق آن را قصاص نماید و آنچه را از تو نسبت به او صادر شده متحمل شوی که او نیز نسبت به تو انجام دهد یا اینکه به عجز و الحاح، یا احسان و انعام او را از خود راضی نمائی و اگر دسترس به اینها نباشد باز باید به در خانهٔ خدا رفت و عجز ولابه نمود که صاحب حق را راضی کند و باید طاعات و عبادات بسیاری

(به نیابت از او) بجا آوری که عوض حق او گردد .

۳ ـ حق آبروئی

اگر حق آبروئی باشد مثل اینکه او را دشنام یا فحش داده یا تهمت زده باشی یا بدون جهت (بدون علت) شرعی به اواهانت رسانیده ودل اوراشکسته باشی . بایداگرممکن باشدوداظهارآن ظن برغیظ وخشم آن فردنباشد (احتمال دهی که عصبانی نشود) ازاوحلیت بطلبی واوراازخود خشنود نمائی . واگر این کارممکن نباشد ،برایش استغفـــاروطلب آمرزش بنمـاودرزیادبجاآوردن افعال حسنه بکوش تا عوض آن حق گردد .

چنانچه افتـــرا وبهتانی به اوزده یاغیبت اورانموده باشی اگریادت باشدکه درنزدکدام شخص گفته ای بایددرنزداواعتراف به‌کذب خودبنمائی .

۴ ـ حق دراهل وحرم (خانواده وهمسر)

مثل اینکه العیاذبالله بازن کسی زناکرده باشی پس درغایت صعوبت ونهایت اشکال است وراهی ازبرای حلیت جستن نیست مگرآنکه شب وروزبه‌درگاه‌خدابنالدوتضرع وزاری‌نمایدومواظبت برطاعت‌وعبادت به جهت آن (به نیابت از) شوهرنمایدونمازبسیار وروزهٔ بیشماروحج و صدقه وتلاوت قرآن به جهت (نیابت از) اوبجاآورد (تاثوابش به حساب آن شوهرآورده شود) واگراین مردزنده باشدعلاوه‌براینهـــا انعام واحسان به او کندواکرام واحترام اورابجاآورد وخدمت بـــه‌اورا بقدرامکان انجام دهد وسعی دررفع حوائج ومهمات اونمایدتا شایدبه این وسایل در روزقیامت ازاو بگذردواگراونگذردخدایتعالی اینهـــا را درمقابل حق اوقرارمی دهد اگرمقابل (برابر) شده باشدبه حکم خدائی گناه ازعمل اوبرداشته می‌شود. بهرحال باپدساعتی ازتضرع

وزاری غافل نگشته وشب رابه گریه به روز سیاه خودبسر برده باشد تالطف الهی شامل حال او شده‌ودر روز قیامت پرده اوراندردوصاحب‌حق راباالطاف پنهانی خودخشنود سازد .

رؤیتی از امام صادق (علیه السلام)

روایتی ازامام‌صادق (ع) :

امام صادق (ع) درزمینهٔ‌کیفیت تـوبـهٔ عوام (عموم‌مردم) از گناهان می‌فرماید[۴۳] :

۱ ـ فَاَنْ یَغْسِلَ باطِنَهُ مِنَ الذُّنُوبِ بِماءِالْحَیاةِ وَالِاعْتِرافِ بِجَنایَتِهِ دائِمـــا".

همواره بااعتراف به‌گناهان وسیاهکاریها، که خوداین‌اعتراف مایه وآب حیات روح وقلب آدمی است خودرااز آلودگی گناهان‌بشوید .

۲ ـ وَاعْتِقـادِ النَّدَمِ عَلیٰ مامَضیٰ

نسبت به گناهان‌گذشتهٔ خویش واقعا "نادم وپشیمان باشد .

۳ ـ وَالْخَوْفِ عَلیٰ مابَقِیَ مِنْ عُمْرِهِ

ازاینکه دربقیه عمرمجددا "مرتکب گناه گردد خائف وترسان باشد .

۴ ـ وَلایَسْتَصْغِرَ ذُنُوبَهُ فَیَحْمِلَهُ ذٰلِکَ اِلَی الْکَسَلِ

گناه راکوچک نشمردکه موجب سستی واهمیت ندادن به‌توبه می گـردد (زیرا توبه ازگناه واجب فوری است)

۵ ـ وَیُدیمَ الْبُکاءَ وَالْاَسَفَ عَلیٰ مافاتَهُ مِنْ طاعَةِ اللّٰهِ .

ازاینکه نتوانسته اطاعت خدارابکندگریان ومتاءسف باشد .

---

۴۳ ـ شرح فارسی مصباح الشریعه.

۶ ـ وَيَحْبِسُ نَفْسَهُ مِنَ الشَّهَوَاتِ

همواره عنان نفس راازمیل به شهوت نگاه دارد .

۷ ـ وَيَسْتَغِيثُ اِلَى اللّٰهِ تَعَالٰى لِيَحْفَظَهُ عَلٰى وَفَاءِ تَوْبَتِهِ وَ يَعْصِمَهُ عَنِ الْعَوْدِ اِلٰى مَا سَلَفَ .

همواره به درگاه خداوند تبارک وتعالی استغاثه نمایدتااورابرای‌ثبات وپایداری درتوبه ازگناهان وعدم بازگشت به گناهان محافظت فرماید .

۸ ـ وَيَرُوضَ نَفْسَهُ فِي مَيْدَانِ الْجُهْدِوَالْعِبَادَةِ.

نفس خودرابه‌عبادت وطاعت وانجام (مستحبات) ریاضت وتمرین‌دهد .

۹ ـ وَيَقْضِيَ عَنِ الْفَوَائِتِ مِنَ الْفَرَائِضِ وَيَرُدَّ الْمَظَالِمَ

آنچه ازواجبات به‌گردن اومانده قضایش رابجاآوردونیز رد مظالم بنماید (آنچه‌ازمال‌ناشناخته‌ومشکوک درنزداوست توسط حاکم شرع مستردسازد)

۱۰ ـ وَيَعْتَزِلَ قُرَنَاءَ السُّوءَ

ازهم نشینان وهم صحبتان بد دوری کند .

۱۱ ـ وَيُسْهِرَ لَيْلَهُ

سحرخیزی راشعار خودکندوملتزم به انجام آن‌باشد .

۱۲ ـ وَيُظْمِئَ نَهَارَهُ

روزهارابه روزه بگذراند .

۱۳ ـ وَيَتَفَكَّرَ دَائِماً "فِي عَاقِبَتِهِ

همیشه درفکرعاقبت باشد .

۱۴ ـ وَيَسْتَعِينَ بِاللّٰهِ تَعَالٰى سَائِلاً "مِنْهُ الْاِسْتِعَانَةَ فِي سَرَّائِهِ وَ ضَرَّائِهِ.

درجمیع حالات ازخداوندرحمان ورحیم یاوری جوید تاازراه راست منحرف نگردد

۱۵ ـ وَيَثْبُتَ عِنْدَ الْمِحَنِ وَالْبَلَاءِ كَيْ لَا يَسْقُطَ عَنْ دَرَجَةِ التَّوَّابِينَ

ودربلاها ومحنتها ثابت قدم باشد تاخللی دربنای صبرایشان راه نیابدو از درجهٔ تائبین ساقط نشود .

۱۶ ـ فَاِنَّ فِي ذٰلِكَ طَهَارَةً مِنْ ذُنُوبِهِ

هرگاه این مراتب رابجاآوردازگناهان پاک می شود .

۱۷ ـ وَزِيَادَةً فِي عَمَلِهِ وَرَفْعَهُ فِي دَرَجَاتِهِ

وتوفیق بجای آوردن اعمال وطاعات بیشتری می یابدومقام ومرتبه‌اش در نزدپروردگاربلندمی گردد .

کمـــال تـــوبه :

درادامهٔ بحث گذشته درزمینه شرایط توبهٔ واقعی ، **معراج السعادة** می نویسد :

مخفی نماند آنچه که ذکر شد (در بحث گذشته) شرط قبـــول توبه است که بدون آنهاتوبه قبول نیست بلکه درحقیقت بدون آنهـا توبه متحقق نمی شودوازبرای کمال توبه وتمامیت آن نیزشرایطی چند است وکسی که می خواهدتوبهٔ اودرسرحدکمال باشد وزنگ معصیتی که کرده بالمرد ازآئینـــه دل اوزدوده شودبایدبعدازتلافی وتـــدارک هـــر معصیتی به دوام ندامت وقضای عبادت وادای مظالم پیوسته هر حال خودگریان وهمیشه متاءلم ومحزون باشد وبه ازای آن معصیت ، نفس خودرابه زحمت بیندازد وآنرا ریاضت دهدودرخوردن ونوشیدن تقلیل نماید .

. . . ازجمله شرایط کمال توبه آنست که توبه کننده سعـــی نمـــاید به نورطاعت آثارکدورت وظلمتی راکه ازگناهان بردل اوجمع مـــی شـود محوکندزیرابراثرشهوت ومعصیتی که ازانسان صادرمی شود ، ظلمـت و تیرگی بردل می نشیندهمچنانکه ازنفس کشیدن آدمی درمقابل آئینـه تیره گی برآئینه می نشیند وچون این تیره‌گی زیادشد دل‌زنگ‌می‌گیرد واگرزنگ بسیاربرروی هم جمع شود دل اورافاسدمی کند ودیگـرقابـل اصلاح وصفانمی شود پس کسیکه توبه می کند بایدآثار گناهان‌گذشته راازدل خودمحوکندومحوآنهـــا به طاعات وعبادات انجام گیرد زیرا همچنانکه به سبب معصیت ، ظلمت وکدورت به سراچه دل میرسد از

کمال توبہ

عبادت نیزنوری درآن حاصل می شود که به واسطهٔ آن نور، ظلمت معاصی زدوده می گردد . همانگونه حضرت امام صادق (ع) فرموده است که‌درعقب هرگناهی‌عبادت کن تاآنرامحوکند پس باید توبه کننده کارخودرابرطاعاتی که ضدمعاصی انجام شده است قرار دهد. تا اثر معصیت رابزدایدزیرا هرمرضی باضد آن دفع می شود . پس اگردر مجامع لهو ولعب غنا شنیده باشد کفارهٔ آن را به شنیدن قرآن‌ومواعظ واحادیث و نشستن در مساجد و امثال آن بدهد. کفارهٔ شرب خمر را به‌ریاضت نفس‌و تشنگی و کفاره خوردن چیز حرام را بعد از تصدق قیمت به روزه داشتن و کم خوردن بدهد در هر حال هر معصیتی.را به تناسب آن معصیت معالجه‌کند تا اثر آن گناه محو شود. اگرچه دفع آن گناه به‌عبادت غیر مناسب دیگر نیز ممکن است ولیکن معالجه زودتر اثر بخش خواهد بود.

یک حدیث قدسی

در رساله " لقاء الله" از فقیه فقه و عرفان آیت الله حاج میرزا جواد ملکی تبریزی قدس سره می‌خوانیم:

خوب است در مقام اقدام به توبه ، عملی را که سید بزرگوار (سید بن طاووس)در کتاب اقبال در اعمال ماه ذی‌القعده روایت کرده بجا بیاورد (لازم به یادآوریست در جبران حق الناس و قسمتی از حق الله باید بهمان صورتی که در شماره گذشته شرحش گذشت انجام گردد و این عمل کمکی است در تکمیل و استجابت زودتر توبه در پیشگاه الهی) و تفضیل آن اینست که حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه‌وآله وسلم روز یکشنبه دوم ذی‌القعده بیرون تشریف‌آورده و فرمودند ایها الناس کدام یک از شما اراده توبه دارد؟ عرض کردیم که همهٔ ما می‌خواهیم که توبه نمائیم. فرمودند: غسل بکنید و وضو بگیرید و چهار رکعت نماز و در هر رکعت یک مرتبه سوره " الحمد" و سه مرتبه سورهٔ" توحید" و یک مرتبه معوذتین (*قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَ قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ*) بخوانید و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار (*اَسْتَغْفِرُاللّٰهَ رَبِّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ*) و ختم به (*لَاحَوْلَ وَ لَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ*) بکنید و بعد از آن بگوئید. (*یَا عَزِیزُ یَا غَفَّارُ اغْفِرْلِی ذُنُوبِی وَ ذُنُوبَ جَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فَاِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ*) و فرمود: نیست هیچ بنده‌ای ازامت من که این عمل را بکند الا اینکه منادی از آسمان ندا کند ای بنده خدا عطلت را از سر بگیر که توبه تو مقبول است و گناه تو آمرزیده.

و فرشتهٔ دیگر صدا کند از زیر عرش ای بنده! مبارک باد بر تو و بر اهل تو و ذریه تو و دیگری صدا کند دشمنان تو از تو راضی خواهند شد در روز قیامت. و دیگری صدا میکند که ای بنده، با ایمان میمیری و دین از تو گرفته نخواهد شد و قبر تو گشاده و منور خواهد شدو دیگری صدا میکند که ای بندهٔ پدر و مادرت از تو خشنود خواهنـــد شد اگر چه بر تو عضبناک بوده باشند و پدر ومادر و ذریهٔ تـــو بخشیده خواهند شد و خودت در دنیا و آخرت در وسعت روزی خواهی بود.

و حضرت جبرئیل علیه السلام ندا می‌کند که من وقت مرگت با ملک الموت می‌آیم و مهربانی می‌کنم به تو و از مرگ به تو صدمه نمی‌زند و روح تو به آسانی ازبدنت خارج می‌شود. ما عرض کردیم یا رسول الله(ص) اگر کسی این عمل را در غیر ذی القعده بجا آورد چطور می‌شود؟ فرمودند: همانطور است که وصف کردم و فرمودند این کلمات را جبرئیل در معراج به من یاد داد".

در ادامهٔ مطلب می‌خوانیم:

"خوبست مرید توبه دو سه روز قبل از این عمل یک دفتری قراربدهد و در عرض این روزها ایام گذشته‌اش را فکر بکند (از زمان کوچکی تا ایـــن روزش) هر ضمانی و حقی که از غیر بر ذمه‌اش وارد آمده درآن دفتر بنویسد" چون ضمان مالی برای صغیر هم هست" و بعد از آن در زمان کبیریش هر حقی از حقوق الله و عبادات هم که تضییع کرده همه آنها را ثبت نماید بلکه خوب است برای دقت بیشتر برای هر عضوی از اعضایش جدولی بکشد و تمام حقوق واجبهٔ آن عضو را که متصور است در جدولهائی در زیر آن جدول قرار بدهد. در هر یکی فکر مفصلی بکند که از آن راه تقصیری در اداء واجبی و یا در ارتکاب حرامی و یا اثبات حقی بر ذمه‌اش نکرده است؟ هر کدام را که

به یادش نیاید جایش را در جدول خالی بگذارد آنها که چیزی واقع ساخته ثبت نماید مثلا" چشم را جدولی بکشد و برای معاصی که برای چشم هست هر یک جدولی قرار بدهد مثلا" نگاه کردن به نامحرم (در این زمینه به احکام نگاه کردن در رساله‌ء عملیه حضرت امام خمینی میتوان رجوع کرد) و نگاه کردن به غضب به روی پدرو مادر و یا به روی علماء و یا به روی مطلق موءمن بی‌رجحان شرعی و یا نگاه کردن به طریق استهزاء و یا به طریق تعییر (سرزنش کردن کسی برای عیب و ننگی که دارد) و یا به طریق اهانت و یا تکبر و یا نگاه کردنی که به آن اراده نشان دادن عیب موءمن را بکند و یا کشف چیز مستور موءمن را بکند به ظالم کد می‌خواهد مال او را ببرد یا خود او را بگیرد مثلا" گاه است یک نگاه کردن علت نامه‌ء قتل نفس یا قتل نفوس و یا غضب اموال بشود و ضمان بیاوردو..."

خلاصه تمام حقوق مالی و استحلالی از حق الله و حق الناس را در نظر بیاورد و به ترتیبی که قبلا" شرح داده شد توبه کامل از آنها بنماید و با تمام توان در پیشگاه خدا عاجزانه تضرع و ناله نماید (قولا" فعلا"...) زیرا که همه آنها تاءثیری در قلب انسان می‌گذارد که آن تاءثر قلبی سبب جوش آمدن دریای رحمت الهی می‌شود و چه خوبست که اعمال بزرگان و تائبین واقعی را در مقام مناجات و استغفار که خودشان را به چه حالها می‌انداختند مطالعه نمود مثلا" زنجیر به گردن می‌انداختند، روی خاک می‌نشستند، توی قبرها می‌رفتند و... در هر حال از خواندن دعاهای رسیده از ائمه معصومین علیهم‌السلام بخصوص دعای توبه در **صحیفه سجادیه** و مناجات التائبین در **مفاتیح الجنان** نباید غافل شد.

آری با تمام وجود به پیشگاه خدا ناله کنیم:

اِلٰهی اَلْبَسَتْنِی الْخَطَایا ثَوْبَ مَذَلَّتِی

خدایا! بارالها! خطا و گناهان، مرا لباس خواری و ذلت پوشانیده است.

وَجَلَّلَنِی التَّبَاعُدُ مِنْکَ لِبَاسَ مَسْکَنَتِی

و دوری از تو جامهٔ عجز و بینوائی بر تنم انداخته است.

وَ اَمَاتَ قَلْبِی عَظِیمُ جِنَایَتِی فَاَحْیِهِ بِتَوْبَةٍ مِنْکَ

و جنایت بزرگ (هوای نفس پرستی) مرا دل مرده‌ام ساخته است تو ای خدا از رجوع بلطف و کرمت باز این دل مرده‌ایم زنده گردان.

یَا اَمَلِی وَ بُغْیَتِی وَ یَا سُؤْلِی وَ مُنْیَتِی فَوَ عِزَّتِکَ مَا اَجِدُ لِذُنُوبِی سِوَاکَ غَافِرا"

ای مقصد و مقصود و مطلوب و آرزوی من! قسم به عزتت که من کسی را که گناهانم را ببخشد غیر تو نمیدانم.

وَلَا اَرٰی لِکَسْرِی غَیْرَکَ جَابِرا" (۴۴).

و آنکه در هم شکستگیم را جبران کند جز تو نمی‌بینم.

ای خدای ارحم الراحمین.

به من رحم کن هنگامی که از میان شعله‌های آتش دوزخ فریادی برآید که (جوادبن شفیع) [۴۵] کجاست؟ همان کسی که به‌واسطه آرزوهای درازبا امروز و فردا کردن، وقت گذرانی کرد و در کارهای زشت عمر خود را تلف نمود پس‌ازاین آواز، گماشتگان دوزخ با عمودهای آهنین شتابان و هول انگیز به سراغ من آیند و مرا کشان کشان به سوی عذابی سخت

---

۴۴ ـ مفاتیح الجنان مناجات التائبین.

۴۵ ـ منظور عارف بزرگ آیت الله حاج میرزا جواد ملکی تبریزی قدس

برده و با سر در قعر دوزخ اندازند و بگویند:

بچش که تو همانی که در دنیا آنچنان خود را عزیز و گرامی میداشتی.

و در جائی مسکن دهند که اسیر در آنجا برای همیشه اسیر است و آتش همواره شعله‌ور، نوشابهٔ من حمیم و جایگاه همیشگی‌ام دوزخ و جحیم باشد شعله‌های فروزان مرا از جای بر کند ولی قعر دوزخ باز مرا در کام خود کشد.

بقیه پاورقی میباشد.

سره میباشد که ایشان این مطالب را خطاب به خودشان در حالات حسابرسی از نفسشان بیان می‌فرمایند و ما از کتاب "رساله لقاءالله" متعلق بد ایشان چاپ" نهضت زنان مسلمان" نقل می‌کنیم. این مرد بزرگ با اینکه در مقام عرفان مقامی بس والا دارد از اعظم فقهای صائنا" لنفسه، حافظا" لدینه، مخالفا" لهواه و مطیعا" لامر مولاه بشمار می‌آیند. مرحوم ملکی درس فقهی داشتند که عنوانش مفاتیح مرحوم فیض بوده است و نیز دو جلسه درس اخلاق داشتند یکی در منزل برای خواص بوده و دیگری در مدرسهٔ فیضیه برای عموم که جمعی از بازاریان قم نیز دُر آن درس شرکت داشتند. نماز جماعت را در بالای سر حضرت معصومه علیهاالسلام اقامه می‌کرده است. و حضرت امام خمینی دامت برکاته در نماز جماعت ایشان و نیز در درس اخلاق که در منزل برای خواص می‌گفته حاضر می‌شدند.

سجایای نفسانی و مزایای روحی این عارف بزرگوار بسیار است برای نمونه: از مرحوم حجه الاسلام سید محمود یزدی که در بیرونی منزل مرحوم ملکی می‌نشست نقل شده است که گفته بود شبها که ایشان برای تهجد برمی‌خواست مدتی در رختخواب ضمن اجرای دستورات و آداب برخواستن از خواب: از قبیل سجده و دعا گریه می‌کرد سپس به صحن منزل می‌آمد و به اطراف آسمان نگاه می‌کرد و آیات " ان فی خلق السموات و الارض..." را می‌خواند و سر به دیوار می‌گذاشت و مدتی گریه می‌کرد آنگاه که برای وضو گرفتن آماده می‌شد در کنار حوض می‌نشست و مدتی گریه می‌کرد و پس از وضو ساختن چون به مصلایش می‌رسید و مشغول تهجد می‌شد که دیگر حالش خیلی منقلب می‌شد او گریه‌های طولانی در نمازها و مخصوصا" قنوتها داشته تاآنجا که بعضی ایشان را جزء بکائین عصر بشمار آورده‌اند.

نهایت آرزویم آن باشدکه بمیرم‌ولی ازمرگ‌خبری‌نباشد .

پاهایم برپیشانی بسته شده ورویم ازظلمت گناه سیاه گشته‌به‌هر طرف که روم فریاد کشم وبه‌هرسوی روی آورم صیحه زنم که ای (مالک!) وعده های عذاب دربارهٔ‌مامحقق شد ای مالک !

ازسنگینی زنجیرهای آهنین‌توان ماازدست رفت ای مالک !

پوست های‌تن ماکباب شده ای مالک !

مارابیرون بیار که دیگربه کارهای زشت بازنخواهیم گشت .

پاسخ بشنوم :

هرگز ! اکنون هنگام امان یافتن نیست وازاین جایگاه‌ذلت بار شماراروی تافتن نه، زبان درکشیدوسخن نگوئیدکه اگر به‌فرض محال‌ازاین جابیرون شوید بازبه همان اعمال زشتی که ازآنها نهی شده بودید بازگشت خواهید کرد . پس ازاین جواب‌به کلی ناامیدشویم وتأسف شدیدوپشیمانی دردناک برمادست‌دهد پس به‌روی درآتش بیفتیم ،بالای سرمان آتش ! زیرپایمان آتش ! سمت راستمان آتش ! سمت چپمان آتش ! وغرق درآتش ! خوراک ما آتش ! نوشابه ما آتش ! بستر ما آتش ! جامهٔ ماآتش ! خوابگاه ماآتش ! ومادرمیان پاره های آتش و لباسهائی ازقطران درزیرضربات گرزها وسنگینی زنجیرها همچنان‌باقی مانده درتنگناهای دوزخ فرومیرویم ودردرکات آن خرد می شویم .

درمیان آتش همچون غذا درمیان دیگ جوشان درجوشیم‌وبا فریادواویلا ، وواثبورا درخروش ازعمودهای آهنین که برفرق ما آمده پیشانی ماشکافته شده‌وخون وچرک ازدهنهای ماجاری وازسوز تشنگی جگر های ماپاره‌پاره شده وحدقه‌های چشم ازکاسه درآمده وبه‌رخسارمافر و ریخته‌وازهمه‌اعضاء گوشتهاجدا وعوبیهاوپوستها ازهرطرف کنده‌شده‌وهرگاه که پوستهای ماپخته وازهم گسسته می شود پوستهای تازه به جای آن می‌نهند .

استخوانهـاازگوشت جداگشته وازچربی های بدن هیچ نمانده فقط جانی مانده وابسته به رگوپی هائی

وبااین حال درآرزوی مرگ به مالک می گوئیم ای مالک ازخدا بخواه که جان مارابستاند مالک درجواب گوید :

شماها هنوزماندنی هستید .

ای خدای من باچنین حال واحوالی که درپیش دارم بهکه پناه برم ؟ تامرایاری کند ؟ گناهانم را ببخشاید ؟ این بندهٔ ضعیف ،ذلیل، حقیر ، مسکین ، مستکین ، ازهمه جاناامیـد فقط روی سوی تودارودوست داردکه همیشه بیادتوباشد ، دوست داردکه همیشه مطیع تو باشد ،دوست داردکه همیشه مجری احکام توباشد ، دوست داردکه همیشه قبل ازآنکه سخنی بگوید ویاعملی راانجام دهد کاملابیندیشد که آیاتونیزراضـی هستی یانه ؟ بارهاتصمیم می گیرد ،اراده می کند که چنین باشد اماچه کند که شیطان اورا گول میزند ، فریب می دهد وازراه بدرش میکندواگرتودستش رانگیری بازبیشترسقوط میکند .ایخدا ،ایپروردگار! کمکش کن . خودت میدانی اگرلحظه ای رحمتت راازبندگانت قطع کنی ، نابود نابودخواهیم شد .

وَقَدْخَضَعْتُ بِالْاِنابَةِ اِلَیْکَ وَعَنَوْتُ بِالْاِسْتِکانَةِ لَدَیْکَ

من به آهوناله وکمالخضوع به درگاهت آمدهامروبخواری ومذلت بسویـتررو آورده ام .

وَاِنْ رَدَدْتَنِی عَنْ جِنابِـکَ فَبِمَنْ اَعُـوذُ

واگرم توردکنی ازحضورت پس به که پناه برم

فَاِنْ طَرَدْتَنِی مِنْ بابِکَ فَبِمَنْ أَلُوذُ

پس اگرم تو از در برانی دیگر به که روآرم

فَوا اَسَفاهُ مِنْ خَجْلَتِی وَافْتِضاحِی

پس آه از تاءسف وحسرت خجلت وافتضاح من

وَوا لَهْفاهُ مِنْ سُوءِ عَمَلِی وَاجْتِراحِی

و وای از اندوه وغم مصائب وکردار زشت من

اِلٰهِی اِنْ کانَ قَبُحَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِکَ فَلْیَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِکَ (۴۶)

ای خدا اگر گناه از من زشت است عفو از تو زیباست .

درهرحال آدمی بایدسخت مراقب اعمالش باشد وهمواره قیامت رامدنظربیاوردکه هرحرکتی که ازاوسرمیزنددرعالم حساب داردوبایدحساب پس بدهد انشاء الله درشماره‌های آینده به شرح بیشترمیپردازیم .

۴۶ ـ مفاتیح الجنان مناجات التائبین .

وسوسهٔ شیطان

ازآنجاکه شیطان سوگندیادکرده است که بهرطریق بندگان خدا رابه‌گمراهی ودوری ازپرستش وعبادت خدا بکشانـــدحتی برای توبه‌بندگان نیزحیله ووسوسه انگیزی می کندتاآنهاراازاین نعمت محروم سازد .
فقیه وعارف بزرگوار ، آیت الله حاج میرزاجواد ملکی تبریزی قدس سره ازاساتیـــد اخلاق امام امت حضرت آیه الله العظمی امام خمینی‌دررساله **لقاءالله** می نویسد :

" این‌هم ازاهمیات است که سالک باید بداند شیطان همش بر این است که انسان رادرهرحال که هست ازراه‌خدا منع نماید و اگراز راههای معمولی هوای نفس نتوانست برگرداند آن وقت ازطریق‌موهمه (وسرپوشیده شرع وعقل که آدمی رابه‌اشتباه اندازد) می آیدو اگراز اینهاهم نتوانست غلبه نماید می گوید :

امرتوگذشته است تونمی توانی توبه حقیقی بکنی توبه حقیقی شرایط دارد توکجا وعمل به شرایط توبهٔ حقیقی کجـا ؟

اگر به شرایطش عمل نکنی توبه نکردن بهتر ازتوبهٔ دروغی‌است .

علاوه براین می گوید : که توآنقدرگناه کرده ای که ازقابلیت و سعادت، قبول توبه وتوفیق توبه افتاده ای .

اگرسالک این‌حرفهای اوراقبول بکند مادامی که قبول کرده است مغلوب شده وآن‌ملعون مقصودش رابدست‌آورده واگراین حرفهای اوراجواب دادوردکردوگفت که .

اولا" رحمت الهی را که می تواند تخیل بکند ؟ رحمت او رحمتی است که تورا ماءیوس نکردودعایت رامستجاب نمود .

ثانیا" اگرمن نتوانم توبهٔ حقیقی کامل بکنم آن مقداری که توانستم بجاآورم انجام میدهم شایدخداوند مهربان به جهت همین مقدارتوبه که کردم توفیق بالاترازآن رابدهد که یک مقدارکاملتر بکنم وآن راکه کردم بازتوفیق بالاتررامی دهد تامرابه توبهٔ کامل میرساند چنانکه عاده الله بهمین جاری شده است واگر قول تو (شیطان)راقبول بکنم هلاک قطعی است وابدا" نجات نیست وهمین ماءیوسی ، خودش ازگناهان کبیره موبقه است که شاید سبب بشود به تعجیل عذاب وسبب زیادتی عذاب وخسران دنیاوآخرت بشود .

. . . . **خلاصه** : نه تنهاوسوسه درتوبهٔ صحیح ویاوسوسه درتوبهٔ ناقص بلکه وسوسه درانجام یک ذره ازخیر ، یک کلمهٔ خیروبطورکلی هر خاطری که انسان رادلالت نماید برترک این خیر جزئی قطعاازشیطان است وقطعا" شیطان خیرانسان رانمی گوید . گاهی است که،این یک کلمهٔ خیر سبب بشود به نجات کلی انسان به این میزان که دراین (خیرجزئی) قطعا" اثری ونوری هست که گاهی همین نور سبب می شوددریک مردی به توفیق خیر دیگر وآن هم نوری داردکه آن هم سبب توفیق دیگری می شود وهمین طور توفیقات ذنبال یکدیگر میرسد تا انسان را به عالم نورمیرساند این کلی ابدا" جای انکار نیست وغالبا موءمنین به تدریج به مقام عالی توبه نائل شده اند این است که توبه هم مثل مقامات دین مراتب دارد .

عالم ربانی ملااحمدنراقی دراین زمینه می نویسد :

" مخفی نماندهرگاه کسی ازگناهی که کرده است پشیمان شودو توبه نماید ولیکن به نفسش اعتماد ننماید که دیگر امربه گناه نکندوبازگشت به آن گناه ننماید و از خودخاطرجمع نباشد نبایدبه این سبب از توبه بازبایستد وچنان گمان کندکه توبه اوفایده ای نمی بخشد زیرا این فریب

شیطانست وازکجامیداند که مجددا" امکان ارتکاب آن معصیت راپیدا کند شایدپیش‌ازآن باتوبه ازدنیابرود وبایدقصد اواین باشدکه دیگربازگشت نمی کند وازخدانیز استعانت بجوید .

اگر به این‌تصمیم وفاکرد به مقصود خودرسیده است واگرنفس بر اوغالب شدگناهان سابق‌اوآمرزیده شده وازآنهاخلاصی یافته‌است‌وبه‌غیراز گناهی که اگربعدازاین‌توبه مرتکب شده برگردن اومعصیت دیگری نیست و این ازمطالب‌عظیمه وفواید جلیله است . پس نبایدخوف ازشکستن توبه ، کسی راازتوبه بازداردبلکه باید مبادرت به توبه نمایدواگر خدای‌ناکرده دوباره به گناه بازگشت کرد بازمجددا" توبه کند وبدنبال آن اعمال حسنه بجاآوردکه محو آثارآن گناه رابکند "

تبدیل گناهان صغیره به کبیره

تبـــــدیل گناه صغیـــره به کبیـــــــره :

یکی‌ازمسائلی که بایدتوجه قرارگیردآنست که انسان خدای‌ناکرده کاری نکندکه گناه صغیره اش تبدیل به‌کبیره‌گرددودرنتیجه مستوجب عقاب سخت ترگشته وتوبه ازآن مشکل گردد . زیرا باسیردرآیات وروایات می‌توان دریافت که دربعضی مواردگناه صغیره تبدیل به گناه کبیره‌میگردد .

برای‌مطالعه بیشتردراین زمینه میتوان به جلد ۲ کتاب " **گناهان کبیره** " شهید راه محراب آیت‌الله‌دستغیب‌تسمت اصراربرگناه‌مراجعه نمود.

۱ـ اصراربرگنـــــاه :

امام صادق (ع) می فرمایـــد :

لَا صَغِیـــرَةَ مَعَ الْاِصْرَارِ وَلَا کَبِیـــرَةَ مَعَ الْاِسْتِغْفَـــارِ (۴۷)

" گناه صغیره ای که برآن اصرار شوددیگرصغیره نیست بلکه‌کبیره است چنانچه گناه کبیره ایکه‌ازآن پشیمانی حاصل شود وعزم‌برترک آن داشته باشددیگرکبیره نیست . "

حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام میفرماید

اِیَّـــاکَ وَالْاِصْرَارَ فَاِنَّهُ مِنْ اَکْبَرِ الْکَبَائِرِ وَاَعْظَمِ الْجَرَائِمِ (۴۸)

---

۴۷ ـ اصول کافی

۴۸ ـ غرر ودرر آمدی.

" بترس ودوری کن ازاصراربرگناه زیرااصرارازبزرگترین گناهان کبیره وعظیم ترین جرائم است . "

اَعْظَمُ الذُّنُوبِ ذَنْبٌ اَصَرَّ عَلَيْهِ عَامِلُهُ (۴۹).

" بزرگترین گناهان نزدخداوندگناهی است که بجاآورنده اش برآن اصرار داشته باشد "

درزمینه اینکه " اصرار برگناه چیست " کتاب گناهان کبیره می نویسد :

" کبیره‌بودن اصرار برگناه صغیره مورداتفاق فقهاء بلکه‌اجماعی است لکن درمعنی اصرار اختلاف نموده‌اندوبرچندقولند قدرمسلم آنچه که به اتفاق ، اصراروکبیره است آنست که شخص پس ازگناه صغیردایکه انجام داده ازآن پشیمان نشودبلکه بازهم بجاآوردوبرآن‌مداومت نماید . . . . . مانندکسی که‌درنظرکردن به نامحرم بابه داخل خانه مردم مداومت دارد بدون اینکه پس ازهرنظری پشیمان شودواستغفار نمایدالبته چنین‌مداومتی اصراروازگناهان کبیره‌است‌به‌اتفاق فقهاء .

درصورتی‌که‌چند نوع‌گناه صیره مرتکب شودبدون‌اینکه‌بین آنها پشیمان‌شود و استغفار نماید مثل اینکه لباس حریربپوشدوبه‌نامحرم‌نگاه‌کندوبااومصافحه و ملامسه نماید . شهید علیه‌الرحمه‌درکتاب‌قواعدوجمعی دیگرازفقهاء‌فرموده اند اینهم اصراربر صغیره ودرحکم‌کبیره‌است وفرقی‌نیست بین مداومت بر یک نوع ازگناهان صغیره‌یاچندنوع لغتا "وعرفا" .

۲ ـ کوچک شمردن گنـــاه :

کسی که گناه صغیره‌ای ازاوسرزندوگناه خودراکوچک وناچیزبشمارد وخودراسزاوارعقوبت الهی نداندگناهش کبیره ومستحق قهرخداست .

---

۴۹ ـ غررو درر آمدی .

حضرت علی (ع) می فرماید

اَشَدُّالذُّنُوبِ مَااسْتَهَانَ بِهِ صَاحِبُهُ (۵۰)

" سخت ترین گناهان آنست که بجاآورنده اش آنرا خواروسبک بشمارد "

حضرت امام صادق (ع) می فرماید :

اِتَّقُوا الْمُحَقَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ

بترسید و پرهیزیدازگناهانی که آنهاراحقیر وکوچک بشمارید .

پرسیده شد : محقرات ذنوب کدام است ؟

حضرت فرمودند : اَلرَّجُلُ يُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَقُولُ طُوبَىٰ لِي لَوْلَمْ يَكُنْ لِي غَيْرُ ذٰلِكَ (۵۱)

شخص گناهی رامی کند سپس می گوید خوشابحال من اگرجز این گناهی نداشته باشم (یعنی این گناه بسیارکوچک وناچیز است)

معراج السعاده می نویسد :

" هرگناهی راکه اندک شماری نزدخدا عظیم می شود ودرحدیث وارداست که مؤمن هرگناهی راکه مرتکب شودآنرا مانندکوهی می بیند که بر بالای سراوباشدومی ترسدکه برسرش فروافتد ولی منافق گناه رامثل مگسی می بیندکه بربینی اونشسته وسپس آنرا بپراند "

۳ ـ خوشحالی ازگناه :

ازعوامل دیگری که گناه صغیره راکبیره می کند مسرت وخوشحالی انسان ازگناهی است که مرتکب شده باشد .

معراج السعاده می نویسد :

---

۵۰ ـ نهج البلاغه .

۵۱ ـ اصول کافی .

" سوم آنکه انسان شادشودبه انجام گناهی وحتی مغرورشودبه اینکه قدرت انجام آن گناه را پیداکرده است مثل آنکه مسلمانیراخجل سازد یا مغبون کندیااورا اذیتی برساند وسپس بگوید دیدی اوراچگونه رسواکردم یاخجل ساختم یامغبون نمودم وخلاصه به این عملش دلشادباشد "

ازحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که :

" درموقع گناه به گناهی که درنظرخودت کوچک است منگر بلکه به بزرگی خداوندبنگرکه مخالفت اورامی کنی " (۵۲)

پیامبراکرم صلی اللهعلیهوآله می فرماید :

مَنْ اَذْنَبَ ذَنْبـــاً وَهُوَضَاحِكٌ دَخَلَ النّـــارَوَهُوَ بَاكٍ (۵۳)

" کسی‌که گناهی‌مرتکب شوددرحالیکه خندان باشد داخل درآتش می شود درحالیکه گریانست "

ونیز درروایت دیگری فرماید :

اَرْبَعَـــةٌ فِي الذَّنْبِ شَرٌّ مِنَ الذَّنْبِ : اَلْاِسْتِحْقَارُ وَالْاِفْتِخَارُ وَالْاِسْتِبْشَارُ وَالْاِصْـــرَارُ (۵۴)

" چهارچیزدرگناه‌بدترازگناه است : کوچک شمردن گناه ،افتخار کردن به‌آن ، خوشحالی ازآن‌واصرارکردن به آن" .

۴ـ آشکارکردن گنـــــاه :

یعنی آنکه انسان‌گناهی رامرتکب‌شودوآنرابدون جهت شرعی در

---

۵۲ ـ وسائل الشیعه کتاب جهاد .

۵۳ ـ وسائل الشیعه کتاب جهاد .

۵۴ ـ مستدرک .

نزدکسی که‌مطلع نیست اظهارکندگناهان کبیره می نویسد :

" البته بایدتوجه داشت که اظهار گناه دردوصورت اشکالی ندارد :

اول ــ جائی که‌غرض عقلائی برآن باشدمانندا‌ظهارآن‌نـــزد طبیب اگربرای معالجه ومداوا اظهارش لازم باشد ویا نزدعالمی برای دانستن حکم آن ضرورت اقتضاء کند .

دوم ــ اظهار گناهکاری بطور عموم نه بذکرگناه خاصی ، آن هم اشکالی‌ندارد بلکه هنگام اظهار عبودیت ومسکنت بسیارممدوحست . مثل اینکه بگوید من‌به درگاه الهی گنهکارم ، روسیاهم ، . . . . بلکه اقراربه گنهکاری‌نزدپروردگارازبزرگترین اقسام مناجات وعبادات است ودرپذیرفته شدن توبه ونورانیت قلب وارتفاع درجه اثرات بزرگی دارد "

۵ــ موقعیت اجتماعی شخص :

یعنی شخص گناهکار کسی باشد که موقعیت خاصی دراجتماع دارد ومردم به‌اواعتماددارندوحتی‌ازاوپیروی‌می‌کنند . مانندا‌هل علم‌ومشهورین به‌پاکی وتقوی که درواقع پیشوائی‌معنوی مردم رادارا‌هستند .وقتی کـه مرتکب گناه صغیره می گردند ومردم برآن مطلع شوندقبح آن گنـــاه در نظرشان کم‌می شودوسبب جراءت وجری ترشدن آنان درآن گناه ویاگناهان مشابه می شود وحتی گاهی سبب تزلزل اصل ایمان وعقیده آنهامی‌گردد چه زیبادرکلام امیرالمؤمنین علیه السلام می خوانیم :

زَلَّـــةُ الْعـــالِمِ تُفْسِـــدُ الْعَوالِمِ (۵۵)

" لغزش عالم عالمی را فاسدمی کند "

حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید :

---

۵۵ ــ غرر و درر آمدی .

يُغْفَرُلِلْجاهِلِ سَبْعُونَ ذَنْباً قَبْلَ اَنْ يُغْفَرَ لِلْعالِمِ ذَنْبٌ واحِدٌ (۵۶)

" برای جاهل هفتادگناه آمرزیده می شود پیش ازآنکه یک گناه ازعالم بخشیده شود " .

---

۵۶ ـ اصول کافی .

پیشگیری از گناه

آنچه‌راکه‌انسان درهمه‌حال بدان نیازمنداست پیشگیری ازآلودگی به‌گناه می باشد واین امرمهم نیاز به تمرین یک سری مسائل دارد تابرای انسان به صورت ملکه درآید وانسان آنچنان باخوبیها انس بگیردکه‌دیگراز گناه تنفر داشته باشد وحتی تصور انجام گناه اورا بیازارد .

دراین باره فرازهائی ازمعارف اخلاق عملی اسلام که زمینه ساز بسیاری‌از ملکات وفضائل معنوی وروحانی است ، می تواند مارایاری‌دهد . به‌این ترتیب که هرروز یک یاچند مورداز‌مواردزیررابا توکل برخداوندتبارک وتعالی‌موردتوجه‌وعمل قرار داده وبقول معروف روی آن تمرین و کارنمائیم تاانشاءالله برایمان ملکه گردد .

۱ ــ تاموقعی‌که لزوم پیدانکرده حرف نزنیم زیرا ریشه بسیاری ازلغزشهـا وخطاها وحتی گناهان کبیره ، بیجا وبی موقع و نسنجیده حرف زدن است وبه‌گفته بعضی‌ازعلمای اخلاق نزد یک به چهل گناه‌اززبان آدمی سرمیزند ازاینرو درحدیث قدسی می بینیم که :

" سکوت یکی ازسرآمدعبادتهـــاست "

۲ ــ اگرایرادی‌دردیگری می بینیم درخودمان نیز نگاه کنیـم‌که آیاآن ایرادراداریم یانه ؟

به فرمودهٔ حضرت علی علیه السلام : ***كَفَاكَ اَدَبا "لِنَفْسِكَ اجْتِنَابُ مَا تَكْـرَهُهُ مِـنْ غَيْـرِكَ .***

" برای ادب کردن نفست کافیست که ازانجام دادن آنچه برای

دیگران زشت وناپسند میدانی اجتناب نمائی "

۳ـ هرخوبی‌راکه برای خودمی‌خواهیم برای دیگری‌نیزبخواهیم .

۴ ـ هیچگاه دیگران را مسخره نکنیم وباکنایه ونیشخندحرف نزنیم .

۵ ـ ازشوخی جدا "پرهیزکنیم که انسان راسبک می کند .

۶ ـ ازخنده بیجا وبخصوص بلند خندیدن جدا "پرهیزنمائیم .

۷ ـ ازعصبانیت خودداری کنیم .

۸ ـ همواره باگشاده روئی بادیگران برخوردکنیم .

۹ ـ دائم الوضو باشیم حتی درهنگام خوابیدن باوضو بـــوده و باخواندن دعا بخوابیم .

۱۰ ـ تامی توانیم دعاوقرآن ونمازمستحبی بخوانیم ونمازهای واجب دراول وقت وحتی المقدور باجماعت خوانده شود .

۱۱ ـ ازهرفرصتی استفاده نموده وباگفتن ذکرهائی مثل "سبحان الله" ، "الحمدالله ، "الله اکبر" یاد خدارادردل وزبان بنمـــائیم‌و نیز صلوات زیادبگوئیم که یکی ازسنگین ترین ثوابها ذکرصلوات است .

۱۲ ـ ازدروغ گفتن جدا "خودداری کنیم .

۱۳ ـ هیچگاه به دیگری بخل وحسد نورزیم که بیماری بزرگی است وانسان رابه نابودی وهلاکت می کشاند .

۱۴ ـ ازغیبت کردن وتهمت زدن بشدت بپرهیزیم .

۱۵ ـ تامی توانیم قسم نخوریم .

۱۶ ـ سعی نمائیم هرعملی راکه انجام میدهیم هرچند ناچیزو اندک ، وباهرسخنی راکه می گوئیم نیتمان " لله " باشدتاازثواب الهی‌آن نیز بهره مندگردیم .

البته بایدتوجه داشت که این مطالب آنقدربدیهی وروشن است که همگان آنرامیدانیم ولی مهم ، تمرین روی آنهاست که این صفات جزء

وجودانسان گردند ونیزحسابرسی ازاینکه تاچه اندازه توانستهایم عامل بدانهاباشیم .

بارجوع به کتب معتبراخلاقی می یابیم که انسان درتمامی حالات ومراحل زندگیش بایدبرنامه ای برای حفاظت و حسابرسی اعمالش داشته باشدکه درمجموع آنهارا "مرابطه" گویندکهمرکبازچهاردستور است که ما بااقتباس ازکتابگرانمایه " لقاءالله " و" معراج السعاده" به شرح آن می‌پردازیم :

۱ ـ مشارطه :

مشارطه عبارت از آنست که انسان هرروزکه اول صبح ازبسترخواب برمی‌خیزد پس ازادای فریضهٔ نمازووظائف عبادی خویش ساعتی بهفراغت قلببنشیند وبانفسخودبه مشارطه پردازد وبه اوبگویدکه من سرمایهایبجز عمرندارمواگراین سرمایه ازدست من برود ورشکست به تمام معنی می‌شوم وهرگزامیدسودی نخواهمداشت .پس امروزراکهخدای تعالی به منمهلتداد ومرگمرابهتاءخیرانداخت واین نعمت رابرمن ارزانی فرمود که اگرمراازاین دنیا برده بود الان آرزومی کردم که یکروز مرابه دنیابازگرداندتاعمل صالحیانجامدهم .اکنونتوچنینفرض کن کهازایندنیارفتهایوبازبرگشتهای بیاواین روزراضایع مکن کهنفسی راکه می‌کشیجوهرگرانبهائیاست که قیمتی برایآن نمی توان تعیین کرد .

. . .و پس ازآنکه اینگونه سفارشها به نفس خودکردمتوجهٔ اعضاء هفتگانهخودگردد یعنی چشم وگوش وزبان وشکم ودامن ودست وپا .به آنها سفارش کندکه ازوظائف خود تخطی نکنند چشم ازنگاه کردن به نامحرموبه موءمنین باچشم حقارت وازدیگرمحرمات خودداری کند ومخصوصا "بهزبان تاءکیدکند که خودراازغیبت ودروغ وتهمت ومذمت دیگران وسخن چینی و فحش مصون نگه دارد ونیزهمینطور به بقیه اعضاء سفارش نماید .

۲ ـ مراقبـــه :

مراقبه عبارت ازآنست که انسان‌درتمام شبانه روزمتوجه‌نفس خود باشدودرهرکاریکـه می خواهدانجام بدهد مراقب احوال آن باشد زیرا اگرنفس رابخودواگذاری همهٔ آن سفارشهای گذشته رافراموش میکندوعهدو پیمانهارامی شکند پس لحظه‌ای نباید آنرابخودواگذارد . . . .

درهرحالی ازاحوال ، ازحرکت وسکون به جانب خداتوجه‌داشته باشد واورامراقب خودداند و بداندکه خدایتعالی برضمیرهمه کس آگاه‌وبه جمیع اعمال وافعالشان بیناست واسرار دل درنزداومکشوف وظاهـراست بیشترازآنچه ظاهربدن برمردمان پیدا وواضح است و خدایتعالی می‌فرماید *"اَلَمْ تَعْلَمْ بِاَنَّ اللّٰهَ یَـرٰی"* آیـاانسان‌عالم نیست به اینکه خداهمه چیز رامی بیند ودرحدیث قدسی وارداست که :

" محققا " چنین است کسانیکه قصدمعصیتی کردند ودرآن هنگام عظمت مرایادآوردند ومتوجه من شدند وآنرا بدرستی درک کردند ونیز آنان که ازخوف من قامتهایشان خم گردید دربـهشت عدن ساکن می‌شوند . . . ازبرای مراقبه حق سبحانه وتعالی مراتب بسیاراست . اول درجه آن این استکه‌درهمه حال خداوندتبارک و تعالی رامطلع بررفتاروگفتارونیات خودبداند وازترس او ازمعاصـی اجتراز نمایدومیرسد بجائیکه نورعظمت و جلال الـهی چنان بردل بنده تابیده شودکه درهمهٔ اوقات اواراازیاد دنیـاومافیهابلکه ازوجودخودغافل ساخته وپیوسته مستغرق ملاحظـهٔ جلال وعظمت حق تعالی بوده باشد .

۳ ـ محاسبـــــه :

کیفیت محاسبهٔ نفس‌آنست که انسان دروقتی راکه آخرهرروز معین‌کرده ، بنشیند ونفس خودرا مقابل خودمجسم نماید وابتدامحاسبهٔ واجبات راازآن بجوید پس اگرهمه آنهارادرست بجاآورده باشد .اوزادعا

کندوشکرخدا بجاآورد واوراترغیب برمثل آن نمایدواگرچیزی ازآنهاراترک نموده باشد ازاوقضای آنرامطالبه کندوبه وعدهٔ اوفریب نخوردکه بسیار بدحسابست وبایددفعتا" اورابرانجام قضای واجباتش وادارنمایدواگر نقصانی درآداب وشرایط آنهاباشدتدارک آنرا به نافله‌وامثال آن بکند و بعدازآن‌حساب معاصی آنرابرسدواگرمعصیتی مرتکب نشده باشدشکرخدارا بنمایدواگرمرتکب شده باشددرمقام نکوهش وعتاب نفس برآید .وهمچنانکه درحساب دنیا دقت می کندوحتی دیناری ازآن رانیزجستجومی کند که مغبون نگرددرمحاسبهٔ نفس نیزبایددقت بیشتربنمایدوبرآن سخت‌بگیرد وازحیله ومکرآن احتیاط نمایدزیراکه نفس بسیارمکاراست وخدعه می کند و مشتبه می نماید ،پس بایدانسان خودش خوب به حساب آن برسدپیش از آنکه درصحرای قیامت ، دیگری به حساب اوبرسد وبایدهیچ چیزرامهمل نگذارد وحساب جمیع آنچه گفته وکرده ودیده و شنیده ، ازنگاه کردن‌و نشستن وبرخاستن ، خوردن‌وخوابیدن وآشامیدن حتی ازسکوت آن سئوال کندکه چراساکت شد . پس اگرازعهدهٔ جواب همه آنهابرآمدبنحویکه‌ازحق تجاوزنکرده باشد وچیزی ازواجبات راترک ننموده باشدومرتکب معصیتی نشده‌باشد از حساب آن روز فارغ است وهیچ چیز باقی نداردواگردرچیزی کوتاهی کرده وازجواب صحیح آن عاجز ماندآن را دردل خودثبت نماید همچنانکه تاجرباقیماندهٔ حساب شریکش رادردفترحساب خودثبت می‌کند وبعدازثبت آن درمقام معاتبه ومطالبهٔ غرامت آن برمیآید .

۴ ـ معاتبـــــــــــه :

معاتبه عبارت ازآنست که بعدازآنکه انسان درآخرروزحساب نفس خودرا رسید وآن راخیانتکار ومقصریافت سزاوارنیست که مسامحه‌کند وآن‌را مهمل گذارد . چه این باعث جراءت نفس می شودو معتادبه خیانت‌وتقصیر می گرددو دیگربازداشتن آن ازانجام گناه مشکل می‌گردد . پس بایداتا

درمقام عتاب برآید وبگویداف برتو ای نفس خبیث ، آخرای دشمن خودو من ، مرا هلاک ساختی وبه‌ورطهٔ شقاوت انداختی ، عنقریب است که‌در درکات جحیم باشیطان رجیم معذب به عذاب الیم خواهی بود . ای نفس امارهٔ خبیثه ! بی شرمی تاکی وبی حیائی تاچند ،جهل وغفلت‌تاکجا حمق وسفاهت تاچه حد . پیش روی توبهشت ودوزخ آماده است و ناچاردر یکی ازآندومنزل قرارخواهی گرفت ونمیدانی کدام خواهدبود . نمی بینی که ناگاه مرگ بی خبرمیرسدوتابخودآئی‌فرصت ازدست رفته است .

وای برتوای نفس خبیث ! پس وای برتومیدانی که خداوندعلیم‌برامور تومطلع وآگاه است وباوجود این درحضوراوجرأت برعصیان اومی کنی‌واگر چنین میدانی که اوترانمی بیندتواززمرهٔکفاری ودین اسلام راازتوننگ و عاراست .

ای نفس منافق ! توادعای اسلام می کنی ودم ازاسلام میزنی و خداراحاضروناظرمیدانی ؟ گرفتم که ازعذاب اواندیشه نداری وبه رحم او امیدواری ، آخرحیا وشرم توچه شد ؟ کسی راکه امیدگاه‌توست هـر روز درحضوراوعصیان می کنی وبه‌خلاف فرمودهٔ اورفتارمی نمائی ؟

ای نفس خبیث ! وای بی شرم ومنافق ! اگرطعام لذیذی حاضر باشد که توبسیارراغب آن نیزباشی وبیهودی توراخبردهدکه زهردرآن‌طعام است ترک آن می نمائی یااگرطبیب فاسقی بگوید که فلان غذاکشنده است دست ازآن غذامی کشی ونمی گوئی که ممکن است دروغ بگویند ویاخطا کرده باشند . ویااگرطفلی بگوید عقربی واردلباست شده است برق آسا از جامی جهی ولباست رامی کنی وحال آنکه ممکنست آن طفل دروغ گفته باشد . پس چگونه شدکه قول خداوپیغمبران‌مرسل او وگفتهٔ اولیاء وحکماء و وعلماء درنزدتوازقول یهودی یافاسقی یاطفلی کمتراست وبه احتمال عفو و کرم ، به معاصی وگناهان نظرمی افکنی . . . .

به همین ترتیب ، مکررامثال معاتبات رابانفس خود بنمایدوبعد از

آن درمقام زجر وتنبیه آن برآید وآنرابه‌عبادت شاقه وتصدق اموال‌مرغوبه خودوتلافی تقصیرات خودوادارنماید .مثلا"اگرلقمهٔ‌مشتبه یاحرام‌خورده باشدآنرا گرسنگی دهدواگرزبان به غیبت مسلمانی گشوده باشدمـدح اورا بنماید یازبان رابه سکوت تنبیه کند واگربه فقیری استخفاف نموده باشد مال بسیاری به اوبدهدوبه‌همین ترتیب درسایرمعاصی وتقصیرات .

قابل توجه است که نفس سرکش رابه‌زیربارابن عقوبتهاوزحمت‌ها کشیدن‌به دوچیز آسان می شود :

اول ــ ملاحظه ومطالعهٔ اخباریکه‌واردشده است‌درفضیلت‌ریاضت نفس‌و مجاهدهٔ با آن و ثواب طاعات و خیرات .

دوم ــ همنشینی با اهل عبادت و ریاضت و هم صحبتی با کسانیکه ساعتی از زحمت طاعت خود را فارغ نمی‌گذارند و نفس خود را به انواع زحمات مشقت میدهند بطوریکه ملاحظهٔ احوال و اعمال ایشان باعث شوق و رغبت می‌گردد و سبب اقتدا و پیروی از ایشان می‌شود .

امید است که با توفیقات الهی از توابین بشمار آئیم تا که بتوانیم هر چه سریعتر سیر قرب حق تعالی را بپیمائیم . و برای آنکه بتوانیم روی یک سری‌از خصیصه‌ها تمرین نمائیم جدولی را ضمیمه کتاب نموده‌ایم تا مورد بهره‌برداری قرار گیرد بدین ترتیب که در هر روز اگر خدای ناکرده مرتکب هر یک از گناهان ذکر شده در جدول شدیم (البته می‌توان موارد دیگری نیز به‌جدول اضافه و یا کم نمود) در ستون مقابل آن با علامت یا عدد تعداد آنرا مشخص نمائیم و سپس یک جمع بندی از گناهان مرتکب شده انجام شود تا بتوانیم استغفار و توبه لازم و شایسته به درگاه خداوند تبارک و تعالی بنمائیم و با انجام این کار در روزهای متوالی خود را بیازمائیمٌ که تا چه اندازه از گناهان خود کاسته‌ایم و بر خوبیهایمان افزوده‌ایم .

بسمه تعالی

قال علی بن ابیطالب (ع)،

موتوا قبل ان تموتوا
حاسبوا قبل ان تحاسبوا

بمیرید قبل از اینکه میرانده شوید
قبل از اینکه حساب کنند حسابت را بکن

تاریخ / مشخصات گناهان	ردیف	غیبت	سوگند دروغ	بی‌ستر گفتن	غیبت	اسراف	دوستی دشمنان پروردگار	نگاه کردن به نامحرم	عهد و پیمان شکنی	ربا و خوردن مال یتیم	سبک شمردن نماز	کم‌فروشی و ناسپاسی	شنیدن لغو و بیهوده	شوخی و مزاح کردن	سخن چینی	چاپلوسی	گوش دادن به آهنگ	گران فروشی	گران خریداری	کبر و غرور	حق مردم را ندادن	خیانت در امانت	سستی در عبادت	کوچک شمردن گناه	بخل ورزیدن	حسد ورزیدن	بی‌عفتی و بی‌عفتی	خوردن مال حرام	عیب جویی از مؤمن

انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

۸۰ ریال